

مناسبات تولید کشاورزی در شیوه تولید زمینداری ایران دوران میانه تا پیش از گسترش اقطاعداری

محسن سراج^۱

چکیده

یکی از مهم‌ترین شاخص‌ها برای شناخت و تبیین هر ساختار اقتصادی و شیوه تولیدی در تاریخ اقتصادی، فهم مناسبات تولید موجود در آن ساختار است. مسئله اصلی در این مقاله نیز فهم و تبیین مناسبات تولید زمینداری در اقتصاد کشاورزی ایران تا پیش از تسلط ترکان سلجوقی بر ایران و گسترش اقطاعداری توسط ایشان می‌باشد. مدعای اصلی مقاله حاضر این است که تا پیش از گسترش و تثبیت اقطاعداری در زمان سلاجقه و متعاقب آن، گسترش مناسبات تولید «مزارعه» در تولید کشاورزی اکثر مناطق ایران، مناسبات تولید کشاورزی معهود و غالبی که در فلات ایران مرسوم بود، مناسبات تولید مبتنی بر «بهره ثابت مالکانه» بود که گسترده‌ترین شکل مناسبات تولید در ایران تا قبل از تسلط سلاجقه خصوصاً در زمین‌های دیوانی و اربابی بوده است. در این مقاله با تکیه بر مالکیت ابزار تولید به بررسی و تبیین مناسبات تولید موجود در انواع زمینداری در فلات ایران از زمان ورود اسلام تا تسلط سلاجقه پرداخته شده است و با این روش نشان داده‌ایم که این مدل از مناسبات تولید کشاورزی (بهره ثابت مالکانه) برخلاف مناسبات تولید مزارعه، در ذات و کارکرد خود امکان پیشرفت نیروهای تولیدی و انباشت سرمایه و در نتیجه پیشرفت و گسترش تولید را فراهم می‌کرد و شاید رمز شکوفایی اقتصادی و حیات مادی و متعاقب آن شکوفایی فرهنگی، علمی و هنری ایران اسلامی که در تاریخ به دوران شکوفایی تمدن اسلامی در چهار قرن اولیه معروف گشته است، در همین موضوع نهفته باشد. واژگان کلیدی: مناسبات تولید، نظام آبیاری، بهره ثابت مالکانه، مزارعه، اقطاع.

Agricultural relations of production in Iran's middle Ages Feudalism mode of production, before the *iqta's* extension.

Mohsen Seraj²

Abstract

One of the most important indicators for understanding and explaining any economic structure and mode of production in economic history is cognition of the relations of production in that structure. The main issue in this paper is also the understanding and explanation of Feudalism production relations in Iran's agricultural economy, prior to the domination of Seljuk Dynasty in Iran and the expansion of *iqta* by them. The main assertion of this article is that, before the expansion and stabilization of *iqta* Management during the Saffari period and Expansion of 'mozareie' as a production relations in agricultural production in most regions of Iran in that result, "fixed ownerships portion" especially in the state (divani) and manorial lands had been the most type mode of Iran's agricultural production relations Before the Seljuks came to power. In this article, based on the ownership of the means of production, agricultural relations of production's different types of landholding on the Iranian plateau have been studied since the arrival of Islam to the Salajeq's domination. By this method we have shown this type of production relations, against mozarie, provided the feasibility of productive forces growth and progress and extension of Production as a result in its essence and function. This subject is a development code of economic and material life and in pursuit of it the progress of the Culture, Science and art in Four early Islamic centuries that was Known in history as the flowering of Islamic civilization.

Keywords: Production relations, Irrigation system, fixed ownerships portion, MOZARIE, *iqta*.

۱- مقدمه

۱-۱- طرح مسئله

مفهوم شیوه تولید از طریق دو تجرید اساسی مشخص و روشن می‌گردد؛ جنبه اجتماعی و جنبه مادی پوشش تولید. نقطه شروع درک شیوه تولید با بررسی تولید مادی یعنی رابطه انسان با طبیعت، و چهارچوب اجتماعی آن، یعنی رابطه انس آنها با یکدیگر — که بر اثر نوع رابطه انسان در آن شیوه تولید با طبیعت شکل می‌گیرد — می‌باشد. این دو جنبه جدایی‌ناپذیر تولید، شیوه تولید را تشکیل می‌دهند. اما رابطه انسان با محیط پیرامونش رابطه‌ای فعال است. او با کار خویش ارزش‌های مادی مورد نیاز خود را تولید می‌کند. بدین صورت در هر شیوه تولید، ابزار کار و موضوع کار و انسان‌هایی که به کمک این ابزار دست به تولید می‌زنند نیروهای عامل در تولید را به وجود می‌آورند و چون تولید در جوامع همواره خصلتی اجتماعی دارد، روابط معینی بین انسان‌ها در پوشش تولید برقرار می‌شود که این روابط، مستقل از اراده ایشان شکل می‌گیرد و همین، دلیل عینیت این روابط در مطالعات تاریخی می‌باشد.^۳

در هر شیوه تولیدی، اشکال مختلف مالکیت ابزار تولید و نظام روابط تولید گوناگون با در نظر داشتن درجات مختلف رشد نیروهای تولیدی، مبین مناسبات تولید است. شالوده هر شیوه تولیدی با مجموعه معینی از روابط تولیدی که در توزیع وسایل تولید به واحدهای تولید و توزیع محصول فرایند کار در فرماسیون اجتماعی، نقش تعیین‌کننده دارند، ساخته می‌شود. بدین گونه که روابط تولیدی بر حسب رابطه تصرف یا عدم تصرف همه یا بخشی از وسایل تولید لازم برای فرایند کار، جایگاه عوامل اقتصادی را در ساختار طبقاتی تعیین می‌کند و مناسبات تولید در جامعه را شکل می‌دهد. به عبارت ساده‌تر، مناسبات تولید عبارت است از رابطه بین مردم در جریان تولید. هسته اصلی این روابط، مالکیت بر وسایل تولید می‌باشد که تأثیر تعیین‌کننده‌ای بر شکل‌گیری فاکتورهای دیگر مناسبات تولید در هر عصر، یعنی نحوه مبادله و شیوه توزیع محصول دارد.^۴

۳. فرهاد نعمانی، تکامل فنودالیسم در ایران، ج ۱ (تهران: انتشارات خوارزمی، ۱۳۸۵)، ص ۸۰ - ۸۱.

۴. رک: کارل مارکس، گروندریسه (مبانی نقد اقتصاد سیاسی)، ترجمه باقر پرهام و احمد تدین، در دو جلد، ج ۱، (تهران: نشر آگاه، ۱۳۷۸)، ص ۳۶ - ۴۷؛ و ت. ب. باتومور، روبل ماکزیمیلین، گزیده نوشته‌های کارل مارکس در جامعه‌شناسی و فلسفه اجتماعی، ترجمه پرویز بابایی، (تهران: انتشارات نگاه، ۱۳۸۹)، ص ۱۱۹ - ۱۳۴ و ص ۱۵۳ - ۱۵۸؛ جرال آلن کوهن، نظریه تاریخ مارکس، ترجمه محمود راسخ افشار (تهران: نشر اختران، ۱۳۸۷)، ص ۹۱ - ۱۲۵؛ محمد سوداگر، نظام ارباب رعیتی در ایران (تهران: چاپخانه گلشن، ۱۳۳۶)، ص ۵۲ - ۵۳؛ نعمانی، همان، ج ۱، ص ۲۳؛ بهروز امین، درباره فنودالیسم ایران تا قبل از مشروطه، نقدی بر کتاب تحولات فکر و اجتماعی در جامعه فتودال ایران، (تهران: انتشارات پیام، ۱۳۵۷)، ص ۸.

بنابراین، مفهوم‌بندی و شناخت چگونگی مالکیت وسایل تولید در دوره‌های مختلف تاریخی، برای شناخت هر چه بهتر مناسبات تولید امری ضروری و بنیادین به حساب می‌آید.

۱-۲- مسئله تحقیق

مسئله اصلی این مقاله تبیین و فهم مناسبات تولید و تغییرات آن در اقتصاد کشاورزی ایران در دوران میانه تا پیش از گسترش اقطاعداری در عصر سلاجقه می‌باشد و تحقیق حاضر در پی پاسخ به این سؤال است که آیا مناسبات تولید در اقتصاد کشاورزی ایران همواره همانند مناسبات تولید مزارعه و مواکره که بعد از گسترش اقطاعداری در زمان سلاجقه و تا اصلاحات ارضی در دوران معاصر، تبدیل به مناسبات تولید غالب اقتصاد کشاورزی ایران گردیدند، ظالمانه و بر علیه پیشرفت نیروهای مستقیم تولیدی بوده است یا خیر؟

۱-۳- فرضیه تحقیق

فرضیه ما در مسئله تحقیق حاضر این است که مناسبات تولید با مدل بهره ثابت مالکانه (که در زمین‌های دیوانی، با خراج، برابر می‌گشت)، مناسبات تولید غالب در اکثر زمین‌های دیوانی و املاک تا قبل از گسترش اقطاعداری بوده است و از سوی دیگر به این دلیل که زمین‌های دیوانی و املاک، تا قبل از گسترش اقطاعداری با واگذاری اقطاعات مختلف از زمین‌های دیوانی و املاک از زمان سلاجقه، گسترده‌ترین شکل مالکیت ارضی را تشکیل می‌دادند. در نتیجه، این مناسبات تولید، مناسبات غالب در تولید کشاورزی ایران تا پیش از گسترش و تثبیت اقطاعداری بوده است. بهره ثابت مالکانه، مناسبات تولیدی بود که در ذات و کارکرد خود پیشرفت نیروهای مستقیم تولیدی و توسعه سطح زیر کشت و شکوفایی و رونق اقتصاد کشاورزی را در فلات ایران در پی داشت و شاید بتوان کلید رشد و شکوفایی تمدن اسلامی در چهار قرن نخست هجری را در این واقعیت یافت. به گواهی منابع، وسایل تولید در اقتصاد کشاورزی در قرون میانه را زمین، آب، بذر، خیش (جفت گاو) و کار تشکیل می‌دادند که مهم‌ترین این وسایل تولید در طول تاریخ — که بر میزان تسلط بر سایر عوامل تولید تأثیر مستقیم داشت — عامل مالکیت زمین و آب بود. زمانی که به منابع مختلف تاریخی به‌جامانده از دوران میانه توجه می‌کنیم، می‌بینیم که بیشتر کشمکش‌های تاریخی در عرصه اقتصادی و متعاقب آن عرصه‌های سیاسی و اجتماعی و همچنین شکل‌گیری طبقات اجتماعی، حول محور مالکیت زمین و دسترسی به آب بوده و این خود بهترین نشانه در اهمیت این دو عامل

در مقابل دیگر عوامل تولید کشاورزی است.^۵ در این میان به نظر می‌رسد که حتی باید مالکیت آب و نحوه آبرسانی به زمین‌های کشاورزی در فلات نیمه‌خشک ایران را که دستیابی به آب در آن به‌منظور بارور کردن زمین کشاورزی از اهمیت بسیار بیشتری نسبت به مناطق پرباران برخوردار بوده است، فاکتوری مهم‌تر و تأثیرگذارتر از عامل زمین در شیوه و مناسبات تولید زمینداری در تاریخ این مرز و بوم به حساب آوریم؛ چرا که در غالب موارد همین عامل و نحوه تهیه و توزیع آن، عامل اصلی و تعیین‌کننده، نوع مالکیت زمین بوده است.

با این توصیف در این مقاله تلاش می‌کنیم تا بر اساس نحوه مالکیت و تقسیم آب و متعاقب آن ایجاد اشکال مختلف مالکیت زمین، مناسبات تولید غالب در فلات ایران در دوره ورود اسلام تا زمان سلاجقه را بررسی و تقسیم‌بندی کنیم و شمایی کلی از این امر را به تصویر بکشیم و در ادامه فرضیه خود را به بوته آزمایش بگذاریم و نهایتاً به بررسی نتایج و پیامدهای وجود این مدل از مناسبات تولید در اقتصاد کشاورزی ایران در دوران مذکور بپردازیم.

۲- بحث و بررسی

۲-۱- مناسبات تولید غالب در اقتصاد کشاورزی ایران اسلامی از ورود اسلام تا قدرت‌گیری سلاجقه

آن‌طور که از اطلاعات منابع مختلف تاریخی بر می‌آید؛ نوع مالکیت زمین و نحوه آبرسانی به آن مهم‌ترین عناصر در تعیین انواع نظام‌های بهره‌برداری به‌وجودآمده از زمین در تاریخ ایران اسلامی بودند. اما با تجزیه و تحلیل اطلاعات موجود در منابع قدمایی روشن می‌گردد که حتی تعیین نوع مالکیت زمین نیز تا حدود زیادی وابسته به چگونگی تأمین آب برای زمین کشاورزی و نحوه آبیاری آن بوده است و بدین طریق با مبنا قرار دادن نحوه آبیاری زمین‌های کشاورزی می‌توان دو مدل کلان از مالکیت زمین در ایران عصر میانه ارائه داد که در نهایت سایر اشکال مالکیت زمین و مناسبات تولید رایج در آنها زیرمجموعه دو مدل کلان (الف: زمین‌های دیوانی و ب: زمین‌های ملکی) مورد بررسی قرار می‌گیرند. **الف) زمین‌های دیوانی (ارض المملکة):** زمین‌هایی که به‌وسیله عملیات گسترده آبرسانی دولتی اعم از سدبندی و نهرکشی و ایجاد شبکه آبیاری و قنات‌های طویل، آبیاری می‌گردیدند، غالباً به زمین‌های دولتی یا دیوانی با مالیات خراجی تبدیل می‌شدند. بر اساس اطلاعات فراوان مندرج در

۵. نعمانی و خسروی نیز در آثار خود زمین و آب را مهم‌ترین عوامل تولید کشاورزی در تاریخ ایران می‌دانند. رک: نعمانی، همان،

ج ۱، ص ۸۲؛ خسروی، جامعه دهقانی در ایران (تهران: انتشارات پیام، ۱۳۵۷)، ص ۳.

منابع تاریخی و جغرافیایی، اکثر زمین‌های کشاورزی در ایران از آبیاری دولتی استفاده می‌کردند، و شاید با همین واقعیت نیز بتوان علت اصلی گستردگی فراوان زمین‌های دیوانی را نسبت به سایر انواع مالکیت زمین در تاریخ ایران باستان و میانه، تبیین کرد.

عملیات آبرسانی به زمین‌های کشاورزی و یا تبدیل زمین‌های موات به زمین‌های قابل کشت با ایجاد نظام آبیاری توسط دولت‌های باستان و اسلامی ایران، از یک سو عملیات‌های گسترده‌ای چون سدسازی بر رودخانه‌های بزرگ، نهرکشی، لایروبی و حتی ساخت قنات‌های بزرگ در مناطق مختلف کشور و مطابق با ظرفیت‌های جغرافیایی منطقه را در بر می‌گرفته و از سوی دیگر امنیت آبرسانی و تقسیم آب را نیز با دیوانه‌های عربی و طویل به عهده داشته است. منابع مختلف تاریخی و جغرافیایی مشحون از اطلاعات درباره ایجاد بسیاری از این شبکه‌های عظیم دولتی در نقاط مختلف فلات ایران توسط دولت‌های مسلط از زمان باستان تا پایان دوران میانه می‌باشند. به گواهی منابع، عمده کشتزارهای اکثر مناطقی که به پربرکتی و درآمد بالا در فلات ایران معروف بودند، از سیستم‌های آبرسانی دولتی استفاده می‌کردند و دولت‌های مسلط بر این مناطق اهتمام ویژه‌ای به امر آبرسانی داشتند. مناطقی همچون تمامی کشتزارهای بین‌النهرین در عراق عرب خصوصاً منطقه پربرکت سواد، در زمان دولت‌های ساسانی و اعراب همچون دولت اموی و به‌خصوص دولت عباسی و همچنین دولت آل بویه اکثر کشتزارهای جزیره و تقریباً تمامی کشتزارهای خوزستان و سیستان و اکثر کشتزارهای فارس و خراسان و فرارود و تقریباً بیشتر از نیمی از کشتزارهای جبال از سیستم‌های آبیاری دولتی استفاده می‌کردند و بیشترین حجم زمین‌های دیوانی نیز در اعصار مختلف در این مناطق بودند.^۶

۶. برای اطلاعات بیشتر رک: محسن سراج و شهرام یوسفی فر «نقش حکومت‌ها در ایجاد شبکه‌های آبرسانی کشاورزی در گستره شرقی خلافت تا حمله مغول» دوفصلنامه تاریخ ایران، ش ۲۲ (تابستان و پاییز ۱۳۹۶) ص ۷۹ - ۱۱۰. حتی همین امر مهم، هسته اصلی تبیین‌هایی از تطور سیاسی و اجتماعی و فرهنگی در تاریخ ایران نزد برخی اندیشمندان گشته است. (به‌عنوان نمونه رک: محمدعلی کاتوزیان، ایران، جامعه کوتاه‌مدت و ۳ مقاله دیگر، ترجمه عبدالله کوثری (تهران: نشر نی، ۱۳۹۰) و کارل آگوست ویتفوگل، استبداد شرقی، ترجمه محسن ثلاثی (تهران: نشر ثالث، ۱۳۹۱) (ویتفوگل در این اثر کوشیده ابزار اصلی تثبیت استبداد دولتی در جوامع شرقی را با توجه به سرخ‌های داده‌شده در مقاله معروف شیوه تولید آسیایی مارکس، بر وجود نظام‌های آبیاری بزرگ برای مناطق عمدتاً خشک آسیایی توسط دولت، مفهوم‌بندی نماید.

به نظر ویتفوگل اساس تسلط دولت بر ساختار اقتصادی و به دنبال آن ایجاد استبداد سیاسی فراگیر در این جوامع می‌باشد.)

۷. برای اطلاعات بیشتر رک: محسن سراج، شهرام یوسفی فر همان. در این مقاله تلاش کرده‌ام گزاره‌ها و ادعاهایم درباره نظام آبیاری و مالکیت آب در فلات ایران در دوران میانه و تأثیر آن بر مالکیت ارضی را به اثبات برسانم و در مقاله پیش رو موارد اثبات‌شده در آن مقاله به‌صورت بدیهی انگاشته شده و بخشی از استدلال‌های نگارنده در تبیین مناسبات تولید در مقاله پیش رو وابسته به آن است. در مقاله «نقش حکومت‌ها در ایجاد شبکه‌های آبرسانی کشاورزی در گستره شرقی خلافت تا حمله مغول» خواننده با تفصیل بیشتری از اطلاعات مندرج در منابع درباره عملکرد و عملیات‌های بیشمار و گسترده دولت‌های ساسانی، اموی، عباسی و دولت‌های ایرانی مسلط بر این مناطق از قرن دوم تا پنجم هجری در حفظ و نگهداری و ایجاد شبکه‌های آبرسانی کلان در این مناطق آشنا خواهد شد.

ب) زمین‌های ملکی: از سوی دیگر تحلیل اطلاعات مندرج در منابع دوران اسلامی نشان می‌دهد که اکثر زمین‌های ملکی در دوران ثبات حکومت‌ها نیز در این گستره، غالباً زمین‌هایی بودند که یا با آب باران سیراب می‌شدند و یا آب آن توسط خود مالک یا مالکین و با عملیات محدود آبرسانی از منابع آبی در دسترس خصوصاً در مناطق پر آب فلات ایران تأمین می‌شد و احتیاجی به عمل و سرمایه دولتی نداشت. تراکم و فراوانی این زمین‌های ملکی نیز بیشتر در مناطق پربارانی چون نواحی جنوبی دریای خزر و یا نواحی کوهستانی غرب و شمال غربی ایران بود که یا تماماً به آب باران وابسته بود (دیمی) و یا اینکه با فعالیتی کوچک در حجم محلی آب برای زمین‌های زراعی فراهم می‌شد. در کتاب ابن‌اسفندیار نمونه‌های بسیار زیادی از وجود املاک خصوصی در منطقه مازندران و طبرستان دیده می‌شود و حتی وقتی ابن‌اسفندیار از مالیات در مازندران صحبت می‌کند همه جا لفظ (ده یک) را به کار می‌برد که خود نشان از گستردگی فراوان زمین‌های ملکی در این منطقه دارد؛ چرا که مالیات عشری (که تنها مخصوص زمین‌های ملکی مسلمین بود) به‌عنوان تنها مالیات شناخته‌شده در این منطقه به حساب می‌آمده است.^۸ از گستردگی تام و تمام زمین‌های ملکی در این منطقه همین بس که ابن‌اسفندیار هیچ‌گونه مالیات‌گیری خراجی را برای مردم مازندران معمول نمی‌داند و می‌گوید: «و خراج‌های طبرستان سهل و آسان باشد و بعهده ملوک باوند رحمهم الله خود نه بر رعایا و نه بر معارف و ارباب خراج نبود،»^۹ و زمان‌هایی که حکومت‌های مسلط بر منطقه از این عهد مرسوم خارج می‌شدند و سعی در تغییر این مناسبات داشتند، مردم بر علیه ایشان قیام می‌کردند. همچون قیام مردم نواحی جلگه‌ای طبرستان بر علیه حکومت مازیار^{۱۰} و یا قیامشان بر علیه محمد بن اوس و سلیمان بن عبدالله طاهری که به قول ابن‌اسفندیار دلیل اصلی آن ناشی از وضع خراج بر زمین‌های ملکی بود.^{۱۱} نرشخی نیز در کتاب خود تأکید دارد که زمین‌های ملکی در بخارا و سمرقند عمدتاً زمین‌ها و ضیاع‌هایی بودند که توسط خود مالک آباد، و آب آن تأمین می‌شد.^{۱۲} ابن‌فقیه نیز در قرن سوم بسیاری از کشتزارهای اطراف قزوین و دستی را ملکی و مالیات آن را عشری معرفی کرده و می‌گوید این بدین دلیل بود «که آنان خود آنجاها را

۸. رک: محمد بن حسن ابن اسفندیار، تاریخ طبرستان، محقق / مصحح: عباس اقبال آشتیانی (تهران: پدیده خاور، ۱۳۶۶) قسم اول، ص ۲۳۴ - ۲۳۵ و ص ۲۷۰. درباره تفاوت خراج و مالیات عشری در ادامه توضیح خواهیم داد.

۹. ابن‌اسفندیار، همان؛ قسم اول؛ ص ۸۱.

۱۰. رک: محمد بن جریر طبری، تاریخ طبری، در ۱۶ جلد، ج ۱۳، ترجمه ابوالقاسم پاینده (تهران: نشر اساطیر، ۱۳۷۵)، ص ۵۸۹۴.

۱۱. ابن‌اسفندیار، همان، قسم اول، ص ۲۲۳ - ۲۲۴.

۱۲. ابی بکر محمد بن جعفر نرشخی، تاریخ بخارا، تصحیح: مدرس رضوی (تهران: انتشارات توس، ۱۳۶۳)، ص ۴۴ - ۴۵.

آبادان کرده‌اند و نه‌رهایشان روان ساخته‌اند»^{۱۳} یحیی بن آدم در قرن سوم، ماوردی در قرن پنجم و یاقوت در قرن هفتم نیز تأکید دارند که زمین‌های موتی که توسط افراد آباد گردد و آب آن تأمین شود، ملک آبادکننده می‌شود که اگر مالک مسلمان باشد مالیات ملکش نیز عشری محاسبه خواهد شد.^{۱۴} از سوی دیگر سرآغاز شکل‌گیری مالکیت‌های بزرگ و ایجاد زمین‌های اربابی در فلات ایران پس از تسلط دولت‌های اسلامی نیز وابستگی تام و تمام به تأمین آب این املاک توسط اشراف نوپای اسلامی داشت و اکثر این املاک بزرگ در دوران خلافت و حکومت‌های ایرانی - اسلامی از زمین‌های موت و به شرط آبادانی آنها، به افراد توانمند واگذار می‌گردید (ایغارات و قطایع) و تنها در صورت آبادانی، به‌صورت ملک شخصی و اربابی ایشان درمی‌آمد. در این موارد نیز مهم‌ترین عامل برای آبادانی این املاک، فراهم کردن آب بود که باید توسط خود صاحب عطیه و با سرمایه شخصی انجام می‌گرفت. اطلاعات موجود در منابع تقریباً در تمام مواردی که از این مدل املاک صحبت می‌کنند به این اصل اشاره کرده‌اند. به‌عنوان مثال زمانی که بلاذری به اهدای اقطاع در بصره در زمان حکومت امویان اشاره دارد، می‌گوید: در دوران خلافت اموی تقریباً تمامی کشتزارهای بصره به ملک مردم توانمند به اقطاع داده شده بود تا خود نه‌رهای صناعی کوچک از نه‌رهای صناعی بزرگ دولتی‌ساز منشعب کرده و اقطاع خود را آباد کنند.^{۱۵} و به‌گواهی منابع بعدی، تمامی این کشتزارهای پس از آبادانی تا زمان تسلط آل بویه بر عراق، به املاک اربابی کوچک و بزرگ تبدیل شده و مالیات عشری بر آن برقرار بود.^{۱۶} و به قول مسکویه رازی زمانی که امرای آل بویه به ظلم، این زمین‌ها را خراجی کرده و بر آن خراج ثابت وضع نمودند، موجبات نارضایتی گسترده در این

۱۳. ابن فقیه، مختصرالبلدان (بخش ایران)، ترجمه ح. مسعود (تهران: بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۴۹)، ص ۱۲۲.

۱۴. قاضی ابویوسف، یحیی بن آدم القرشی، ابن رجب الحنبلی، موسوعة الخراج، (بیروت: دار المعرفه، ۱۹۷۹) القسم الثانی، یحیی بن آدم القرشی، الخراج، ص ۳۰؛ ابوالحسن علی بن محمد بن حبیب ماوردی البصری، آیین حکمرانی (احکام السلطانیه) ترجمه و تصحیح حسین صابری (تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۸۳)، ص ۳۰۲ و ۳۴۴ و ص ۳۵۳ - ۳۵۴ و ص ۳۵۶؛ یاقوت بن عبد الله حموی، معجم البلدان، در ۲ جلد، ج ۱، ترجمه علی‌نقی منزوی (تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور «پژوهشگاه»، ۱۳۸۰) ص ۴۷. ۱۵. رک: أحمد بن یحیی بلاذری، فتوح البلدان، ترجمه محمد توکل، (تهران: نشر نقره، ۱۳۳۷)، ص ۵۰۰ - ۵۱۰. اهمیت تأمین آب در تعیین نوع مناسبات تولید اراضی زیر کشت آن قدر بالا بود که به قول قاضی ابویوسف؛ اگر حتی قطیعه موت‌هدایی از طرف دولت به مقطعی از زمین‌های خراجی نیز داده شده بود، در صورت تأمین آب آن توسط صاحب قطیعه، نحوه محاسبه مالیات آن به‌صورت عشری انجام می‌شد. رک: موسوعة الخراج، القسم الاول، قاضی ابویوسف، الخراج، ص ۶۵.

۱۶. به‌عنوان نمونه رک: حدود العالم من المشرق الی المغرب، مؤلف ناشناخته (قرن ۴) ترجمه میرحسین شاه، تصحیح و حواشی دکتر مریم میراحمدی و دکتر غلامرضا وره‌رام (تهران: دانشگاه الزهراء، ۱۳۸۳) ص ۴۰۷ که مؤلف آن، تنها زمین‌های بصره را در سراسر عراق عرب و در قرن چهارم عشری می‌داند؛ ابوعلی مسکویه رازی، تجارب الامم، در ۶ جلد، ج ۶، ترجمه علی‌نقی منزوی (تهران: نشر توس، ۱۳۷۶) ص ۱۶۷ - ۱۶۸.

منطقه فراهم شد.^{۱۷} از نمونه‌های دیگر ایجاد زمین‌های اربابی به علت تأمین منابع آبی کشتزارها می‌توان به گزارش یاقوت درباره کشتزارهای منطقه بلس شام و یا به گزارش تاریخ قم درباره املاک اربابی در قم اشاره کرد.^{۱۸} و همچنین می‌توان به مواردی که حافظ ابرو از اعمال فاتحین مسلمان در نقاط مختلف کرمان مثال می‌زند نیز استناد کرد. او می‌گوید: «سواد جیرفت در وقتی که لشکر اسلام دیار کرمان را فتح کردند مرغزار و بیشه بود. عساکر عرب که در حدود کرمان رسیدند، به بناء قری و اجراء میاه و قنوات قیام نمودند؛ و هر دیه‌ی از نواحی جیرفت به نام بانی و مالک آن بازخوانند، چون سلیمانی و سفیانی و ابوکعبی و صغری و ولیدی»^{۱۹} کشتزارهای منطقه جوزجان خراسان نیز که اکثرش با آبیاری غیر دولتی سیراب می‌گردید نیز به قول ابن‌حوقل غالباً ملکی بودند.^{۲۰} ابن‌رسته نیز می‌گوید که سلطان در همین سال تألیف کتابش (قرن سوم) از موضع «الاجمه» بین سرخس و ابیورد که فراوان چراگاه و مزارع دارد و با آب رودخانه‌های فصلی (یعنی آبیاری غیر دولتی) آبیاری می‌شود، ده یک مالیات می‌گیرد (یعنی عشر)، که باز نشان از ملکی بودن مزارع این منطقه می‌باشد.^{۲۱} علاوه بر این موارد حتی زمانی که خلفا یا سلاطین از پول شخصی خود زمینی را آباد می‌کردند و آب آن را تأمین می‌نمودند، این زمین‌ها به زمین‌های خالصه ایشان تبدیل می‌شد. همانند کشیدن نهر صناعی «صله» توسط مهدی عباسی و به خرج خود او در سواد عراق که باعث شد زمین‌ها و کشتزارهای اطراف این نهر همگی احیاء شده و البته در ادامه، خالصه خلیفه عباسی گردد.^{۲۲}

حال با مبنا قرار دادن عنصر مهم آبیاری می‌توان شمایی کلی از مناسبات تولید غالب کشاورزی

۱۷. رک: حدود العالم من المشرق الی المغرب، مؤلف ناشناخته (قرن ۴) ترجمه میرحسین شاه، تصحیح و حواشی دکتر مریم میراحمدی و دکتر غلامرضا وره‌رام (تهران: دانشگاه الزهراء، ۱۳۸۳) ص ۴۰۷ که مؤلف آن، تنها زمین‌های بصره را در سراسر عراق عرب و در قرن چهارم عشری می‌داند؛ ابوعلی مسکویه رازی، تجارب الامم، در ۶ جلد، ج ۶ ترجمه علی‌نقی منزوی (تهران: نشر توس، ۱۳۷۶)، ج ۶، ص ۱۶۸.

۱۸. یاقوت حموی، معجم البلدان، فارسی، ج ۱، ص ۴۱۶ - ۴۱۷؛ حسن بن محمد بن حسن قمی، تاریخ قم، دو جلد در یک مجلد، ترجمه حسن بن علی بن عبد الملک قمی، محقق / مصحح: محمدرضا انصاری قمی (قم: ناشر: کتابخانه بزرگ آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی، ۱۳۸۵) ص ۱۸۱ - ۱۸۲.

۱۹. عبدالله بن لطف‌الله حافظ ابرو، جغرافیای حافظ ابرو، در ۳ جلد، ج ۳، محقق / مصحح: صادق سجادی، (تهران: میراث مکتوب، ۱۳۷۵)، ص ۱۵.

۲۰. ابن‌حوقل، سفرنامه ابن‌حوقل (ایران در صورة الأرض) ترجمه جعفر شعار (تهران: امیرکبیر، ۱۳۶۶) ص ۱۷۷ - ۱۷۸.

۲۱. ابن‌رسته، الاعلاق النفیسه، ترجمه حسین قره چانلو (تهران: امیرکبیر، ۱۳۸۰) ص ۲۰۲.

۲۲. به‌عنوان نمونه رک: قدامه بن جعفر کاتب بغدادی، الخراج و صناعة الکتابه، محقق / مصحح: محمد حسین زبیدی (بغداد: دار الرشید للنشر، ۱۹۸۱) ص ۱۳۱.

در فلات ایران تا ورود سلاجقه را به صورت زیر ترسیم کرد.

۲- ۱- ۱- **مناسبات تولید در زمین‌های دیوانی:** پس از فتح ایران توسط مسلمین اکثر زمین‌های کشاورزی دیوانی دولت ساسانی (به غیر از موارد اندکی که برخی از فاتحین عرب زمین‌ها را به ملک خویش تبدیل کردند) خصوصاً در مناطق سواد عراق، فارس و خوزستان تبدیل به اراضی دولتی اسلام شد و با تثبیت حکومت بنی‌عباس کم‌کم تمامی زمین‌های کشاورزی دولتی در مناطقی که با قرار صلح به رقیب دولت مسلمین درآمده بودند نیز مستقیماً تحت نظارت دیوان دولت عباسی قرار گرفت. در زمان شکل‌گیری دولت‌های اسلامی ایران نیز این زمین‌های دولتی از دولتی به دولت دیگر مسلط بر مناطق مختلف، به‌ارث می‌رسید و از سوی دیگر اکثر زمین‌هایی که توسط آبیاری دولتی احیا می‌شد نیز جزء زمین‌های دیوانی قرار می‌گرفتند و در برخی موارد نیز دولت‌های جابر، برخی زمین‌های ملکی و وقفی را نیز به زمین‌های دیوانی تبدیل می‌کردند. آن‌طور که از اطلاعات منابع بر می‌آید مناسبات تولید در زمین‌های دیوانی - که تا تثبیت دولت سلجوقیان بیشترین حجم زمین‌های زراعی فلات ایران را تشکیل می‌داد - غالباً به صورت خراجی ثابت بوده است که از اجاره‌داران زمین یعنی کشاورزانی که بر سر زمین‌های دولتی کار می‌کردند، اخذ می‌شد. در این زمین‌های دولتی، تولیدکننده با مالکان بزرگ روبه‌رو نبود و تحت تابعیت مستقیم دولت بود و بهره مالکانه و مالیات بر یکدیگر منطبق می‌گردیدند و به صورت بهره - مالیات (خراج) از طرف زارع به دولت پرداخت می‌شد.

آن‌طور که از اطلاعات منابع برمی‌آید در زمان ساسانیان و تا پیش از دوران سلطنت قباد ساسانی، روش غالب محاسبه خراج از زمین‌های دیوانی، روش مقاسمه بود. اما از زمان قباد روش محاسبه خراج (خراگ) بر اساس مساحت جای روش مقاسمه را گرفت. این روش در زمان خسرو انوشیروان تثبیت شده و به صورت روش غالب در کسب خراج از زمین‌های خراجی اکثر قلمرو ساسانیان (که غالباً زمین‌های دیوانی بودند) تثبیت شد و تا پایان حکومت ایشان ادامه یافت.^{۲۳} در

۲۳. برای اطلاعات بیشتر رک: ابن‌رسته، ص ۱۲۰؛ قمی، ص ۴۴۸ - ۴۵۰. و ابن‌حوقل، صورة الأرض، در دو جلد، ج ۱ (بیروت: دارصادر، ۱۹۳۸)، ص ۲۳۴. و ابن رجب الحنبلی، موسوعة الخراج، القسم الثالث، الاستخراج لاحکام الخراج، ص ۸ - ۹؛ و ابوالحسن علی بن حسین مسعودی، مروج الذهب و معدن الجواهر، ج ۱، ترجمه ابوالقاسم پاینده (تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۴)، ص ۲۶۲؛ و ابوالحسن علی بن حسین مسعودی، التنبيه و الاشراف، مترجم ابوالقاسم پاینده، (تهران: علم‌ی فرهنگی، ۱۳۸۱) ص ۴۰ - ۴۱؛ مسکویه رازی، تجارب الامم ج ۱، ص ۱۶۷ - ۱۶۹؛ ابن بلخی فارسنامه، محقق / مصحح: منصور رستگار فسایی، (شیراز: بنیاد فارس شناسی، ۱۳۷۴)، ص ۲۳۳ و ۳۹۸ - ۴۰۱؛ یاقوت بن عبدالله حموی، معجم البلدان، در ۷ جلد، ج ۳، (بیروت: دار صادر، ۱۹۹۵)، ص ۲۷۲ - ۲۷۵.

دوران خلافت اسلامی نیز همین روش مالیات‌گیری از زمین‌های خراجی با اندکی تغییر از دولت ساسانی به حکومت‌های اسلامی به‌ارث رسید. تقریباً تمامی منابعی که از دوران فتح سواد عراق توسط مسلمین صحبت کرده‌اند، اذعان دارند که خلیفه دوم دستور مساحی کردن زمین‌های دولتی سواد را صادر کرده و خراجی ثابت برای هر جریب زمین، مساحت شده و بر اساس نوع محصول در نظر گرفت.^{۲۴} در سایر زمین‌های دیوانی خلافت در فلات ایران نیز خراج ثابت که غالباً بر اساس روش مساحت محاسبه می‌گردید، متداول بود و این روش به حکومت‌های ایرانی - اسلامی نیز به‌ارث رسید.^{۲۵}

از سوی دیگر همان‌طور که نظام آبیاری و نحوه آبرسانی کلیدی‌ترین عنصر در تعیین نوع مالکیت زمین در مناسبات تولید کشاورزی این دوران بود، استفاده و یا عدم استفاده کشتزارها از سیستم آبیاری دولتی و همین‌طور میزان آب مصرفی کشتزارها در تعیین ثابت خراج اراضی دیوانی، بسیار مؤثر بود. از اطلاعات منابع برمی‌آید که در غالب موارد دولت‌های حاکم بابت استفاده اجاره‌داران زمین‌های دیوانی از سیستم آبیاری دولتی و میزان استفاده کشتزارها از آب، ثابت خراج کشتزارهای دیوانی را تعیین می‌کردند.^{۲۶} بدین صورت که معدود اراضی دیوانی که دیمی بوده و یا از منابع آبیاری غیردولتی، استفاده می‌کردند، دارای حداقل میزان ثابت خراج تعیین‌شده برای هر جریب زمین بوده و کشتزارهایی که از سیستم آبیاری دولتی سیراب شده و همچنین به میزان آبیاری بیشتری در سال احتیاج داشتند مشمول حداکثر میزان ثابت خراج تعیین‌شده به ازای هر جریب زمین

۲۴. رک: بلاذری، فتوح البلدان، ص ۳۸۵ - ۳۸۷. همچنین برای اطلاعات بیشتر نگاه کنید به اطلاعات و جزئیات مندرج در کتاب الخراج قدامة بن جعفر، ص ۱۳۱ - ۱۳۲ (که درباره محاسبه خراج سواد صحبت می‌کند)؛ ابن‌رسته، ص ۱۲۰ - ۱۲۱؛ عبیدالله بن عبدالله ابن خرداذبه، المسالك و الممالک، ترجمه سعید خاکرند (بیروت: دار صادر، ۱۸۸۹) افسست لیدن، ص ۱۹؛ قمی، تاریخ قم، ص ۴۵۷؛ مسعودی، التنبیه و الاشراف، ص ۴۰؛ و یاقوت حموی، معجم البلدان، ج ۱ (فارسی)، ص ۴۱.

۲۵. برای نمونه رک: احمد بن اسحاق یعقوبی، البلدان، ترجمه محمد ابراهیم آیتی (تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۵۶)، ص ۴۸؛ قمی، تاریخ قم، ص ۷۴، ۷۵، ۲۸۳ - ۲۸۵ و ۲۸۵ - ۲۹۶ و ۳۰۱ - ۳۰۲ و ۳۱۰ - ۳۱۲ و ۴۷۷؛ ابن خرداذبه، المسالك و الممالک، ص ۳۱؛ ابراهیم بن محمد اصطخری، المسالك و الممالک (قاهره: الیهیة العامة لتصور الثقافة، ۲۰۰۴) ص ۹۴ - ۹۵؛ ابن‌حوقل، سفرنامه ابن‌حوقل (ایران در صورة الارض)، ص ۶۸ - ۶۹ و ص ۱۶۰؛ ابن‌حوقل، صورة الارض، ج ۱، ص ۲۱۲ - ۲۱۳ و ص ۲۱۸؛ شمس‌الدین ابو عبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر بناء شامی مقدسی، أحسن التقاسیم فی المعرفة الاقالیم، در ۲ جلد، ج ۲، ترجمه علی‌نقی منزوی (تهران: شرکت مؤلفان و مترجمان، ۱۳۶۱)، ص ۶۷۱ - ۶۷۲؛ و غیاث‌الدین بن همادالدین خواندمیر، تاریخ حبیب‌السیر، در ۴ جلد، ج ۲ (تهران: نشر خیام، ۱۳۸۰)، ص ۳۵۲.

۲۶. رک: ماوردی، صص ۳۰۵ - ۳۰۶. در روش مقاسمه نیز هرچه استفاده از آبیاری دولتی در زمین‌های خراجی بیشتر بود، دولت سهم بیشتری از محصول را دریافت می‌کرد. برای نمونه نگاه کنید به اطلاعات مندرج در: حمدالله مستوفی قزوینی، نزهت القلوب، محقق / مصحح: محمد دبیر سیاقی (قزوین: نشر حدیث امروز، ۱۳۸۱) ص ۱۳۵.

زیر کشت می‌گشتند و به همین طریق اگر محاسبه خراج بر اساس مقاسمه انجام می‌گرفت، برای زمین‌هایی که از سیستم‌های آبیاری دولتی استفاده کرده و یا از آب بیشتری استفاده می‌کردند، نسبت بیشتری برای سهم دولت از محصول در نظر گرفته می‌شد که البته آن نیز نسبتی ثابت داشت. نمونه‌های بسیاری از تعیین ثابت خراج زمین‌های دیوانی بر معیار نوع و میزان استفاده از آب در منابع تاریخی وجود دارد که از آن میان می‌توان به اطلاعات موجود در کتب «الخراج» کاتب بغدادی و یحیی ابن آدم و «فتوح البلدان» بلاذری و «البلدان» یعقوبی که درباره نحوه محاسبه خراج سواد عراق و مناطقی در جبال در عصر عباسیان ارائه می‌کنند، اشاره کرد.^{۲۷} و همچنین به اطلاعات مفصلی که اصطخری از نحوه تعیین ثابت خراج در قرن چهارم هجری و خصوصاً در قلمرو دولت سامانی ارائه می‌دهد.^{۲۸} اصطخری می‌گوید که ثابت خراج زمین‌هایی که دیم بودند یک سوم خراج زمین‌هایی بود که با آب جاری آبیاری می‌شدند و زمین‌هایی که از آب قنات برای آبیاری‌شان استفاده می‌شد، اگر محصول یک بار آبیاری می‌شد یک چهارم قیمت ثابت خراجشان کم می‌شد و اگر دو بار آبیاری می‌شد ثابت خراجش همانند خراج زمین آبیاری شده با آب جاری، کامل بود. این روش محاسبه مالیات در کوره اصطخر و سابور و دارابجرد و ارجان بود.^{۲۹} ثابت خراج زمین‌های دیوانی ماورالنهر در زمان سامانیان نیز از $\frac{1}{4}$ ، $\frac{2}{3}$ و $\frac{3}{4}$ درهم، نسبت به میزان استفاده از آبیاری دولتی، برای هر جریب، متغیر بود.^{۳۰} بدین طریق از گزارش‌های ابن حوقل و اصطخری مشخص می‌شود که نسبت میان میزان نیاز محصول به آب و ثابت خراج، نسبتی مستقیم بود؛ یعنی هر چه زمین بیشتر آب می‌خورد خراجش بالاتر می‌رفت. مؤلف حدودالعالم نیز از تعیین ثابت خراج زمین‌های دیوانی در خراسان بر اساس نوع و میزان آبیاری کشتزارها صحبت می‌کند و مشخصاً از جزئیات این محاسبات در کوره مرو و در زمان تسلط سامانیان بر خراسان، نمونه می‌آورد.^{۳۱}

به‌طور خلاصه می‌توان گفت که مناسبات تولید در زمین‌های دیوانی بدین شکل بود که زمین

۲۷. رک: یحیی بن آدم القرشی، موسوعه الخراج، القسم الثانی، الخراج، ص ۱۱۵ - ۱۲۳؛ کاتب بغدادی، الخراج، ص ۱۳۶؛ بلاذری، فتوح البلدان، ص ۴۱۲ - ۴۱۳؛ یعقوبی، البلدان، ص ۴۸.

۲۸. اصطخری، المسالك و الممالک، ص ۹۵.

۲۹. رک: اصطخری، المسالك و الممالک، ص ۹۵. مقدسی نیز با همین کیفیت اطلاعات اصطخری را تأیید می‌کند، رک:

مقدسی، ج ۲، ص ۶۷۱ - ۶۷۲ و همچنین رک: ابن حوقل، سفرنامه ابن حوقل (ایران در صورة الارض)، صص ۶۸ - ۶۹.

۳۰. رک: ابن حوقل، سفرنامه ابن حوقل (ایران در صورة الارض)، ص ۱۹۸. همچنین ابن حوقل از تعیین ثابت خراج بر اساس نوع و میزان استفاده از آب مزارع کشت گندم و جو برخی از مناطق جزیره همانند «باعربایا» نیز مثال‌هایی می‌آورد، رک: صورة الأرض، ج ۱، ص ۲۱۴.

۳۱. رک: حدود العالم، ص ۳۰۱ و ص ۳۱۱ - ۳۱۲.

جزء مایملک دولت به حساب می‌آمد و اجاره‌داران حق خرید و فروش یا به‌ارث‌گذاردن آن را نداشتند و بیشتر بر اثر سابقه اجاره‌داری زمین، به نوعی حق استفاده از این زمین‌ها بین آنها و خانواده‌شان موروثی می‌گردید. آبیاری این زمین‌ها به عهده دولت بود و این کار توسط عملیات‌های گسترده آبرسانی در این زمین‌ها توسط دولت و با سرمایه دولتی انجام می‌گرفت و دولت‌های مسلط به دلیل تسلط بر این دو عنصر اساسی در وسایل تولید، مبلغی ثابت به عنوان خراج — که غالباً بر اساس مساحت زیر کشت محاسبه می‌شد و نوع و میزان آبیاری نیز در تعیین ثابت این خراج بسیار مؤثر بود — از محصول تصاحب می‌کردند و مابقی ارزش اضافی تولیدشده را اجاره‌داران این زمین‌ها تصاحب می‌کردند. کشاورزان غالباً با تأمین خیش و بذر و کار مورد نیاز در این مناسبات وارد می‌شدند^{۳۲} و منابع تاریخی و خراجی این قرون از آنها با واژه «فلاحین» نام می‌برند.^{۳۳}

۲-۱-۲- مناسبات تولید در زمین‌های ملکی: همان‌طور که قبلاً توضیح دادیم خاستگاه اصلی ایجاد زمین‌های ملکی در غالب موارد زمین‌هایی بود که از آبیاری دولتی بی‌نیاز بوده و منابع آب آنها از منابع آبی غیردولتی تأمین می‌شد و یا زمین‌هایی که توسط خود مالکین آباد شده و منابع آبیاری آن تأمین شده بود. پس از فتح ایران توسط اعراب مسلمان، زمین‌های ملکی اکثر مردمی که بر سرزمین‌های خود مانده بودند، در دستشان باقی ماند و تعداد محدودی از اعراب فاتح نیز خصوصاً در منطقه سواد، برخی از زمین‌ها را ملک خصوصی خود نمودند. شاید با توجه به کثرت نشانه‌هایی که منابع تاریخی از وجود املاک در سراسر فلات ایران در زمان خلافت و حکومت‌های ایرانی-اسلامی تا روی کار آمدن سلاجقه می‌دهند، باید بیشترین فراوانی زمین‌های کشاورزی را در این قرون، پس از زمین‌های دیوانی، به زمین‌های ملکی بدهیم. طبق قانون مالیات زمین‌های ملکی مسلمانان عشری بود. یعنی تمامی ارزش اضافی تولیدشده در این زمین‌ها به خود مالک می‌رسید و او تنها باید یک دهم این ارزش را به‌عنوان مالیات (یا به قول منابع فقهی، زکات) به دولت حاکم می‌پرداخت. البته املاکی که صاحبان آنها مسلمان نبودند شامل این قانون نشده و زمین‌های ایشان خراجی به حساب می‌آمد بدین صورت که ایشان از تمامی حقوق مربوط به املاک همانند حق خرید و فروش زمین و به‌ارث‌گذاشتن آن برخوردار بودند منتهی به جای عشر باید خراج

۳۲. برای اطلاعات بیشتر از مناسبات تولید در زمین‌های دیوانی (خراجی) رک: ابوعبدالله محمد بن احمد بن یوسف کاتب

خوارزمی، مفاتیح العلوم، ترجمه حسین خدیوچم، (تهران: علمی و فرهنگی، ۱۳۶۲) ص ۴۱.

۳۳. در ادامه درباره استفاده این پژوهش از ترمینولوژی تولید کشاورزی در منابع تاریخی دوران میانه بیشتر توضیح می‌دهیم.

می‌پرداختند که میزانش بیشتر از عشر می‌شد. اما به محض مسلمان شدن، زمین‌های ایشان نیز شامل عشر شده و خراج از آن برداشته می‌شد.^{۳۴} البته ذکر این نکته ضروری است که در برخی مقاطع و در زمان حکومت‌های ظالم، حتی با مسلمان شدن مالک، زمین او همچنان خراجی می‌ماند همانند رفتار حجاج بن یوسف ثقفی با نومسلمانان مالک در سواد و یا جریان خراجی کردن برخی از زمین‌های ملکی در خراسان به دست اشرس حاکم اموی خراسان و یا خراج گرفتن عامل طاهریان از زمین‌های ملکی شالوس/چالوس در طبرستان.^{۳۵} که البته این موارد همیشه استثناء بوده و زودگذر؛ چرا که در اکثر مواقع باعث ایجاد شورش و حتی بیرون راندن یا قتل حاکم می‌شد. همان‌طور که موجب شورش گسترده علیه حجاج و یا کشته شدن اشرس و یا بیرون راندن طاهریان از طبرستان شد. پس تذکر این نکته ضروری است که نباید این استثنائات کوتاه‌مدت را چندان جدی گرفت؛ چرا که اصولاً در زمان تثبیت و آرامش، حکومت‌ها قوانین را رعایت می‌کردند، چرا که الزامی تثبیت و دوام حکومت و جامعه بود و حتی خود ظلم نیز برای اجرایی شدن احتیاج به قوانین ظالمانه داشت. از نمونه‌های فراوان اشاره منابع به عشری بودن زمین‌های ملکی مسلمانان می‌توان به عشری بودن زمین‌های ملکی قزوین اشاره کرد که به قول بلاذری چون مردم قزوین پس از فتح شهر به دست مسلمین همگی اسلام آوردند زمین‌های ملکی ایشان از همان موقع عشری شد. و یا عشری بودن زمین‌های ملکی منطقه قازقان و دستی در جبال،^{۳۶} زمین‌های ملکی اعراب مسلمان در قم،^{۳۷} زمین‌های ملکی کوره سرخس در خراسان^{۳۸} و یا تمامی زمین‌های ملکی بصره که تا زمان آل بویه و گسترش اقطاعداری در عراق به دست ایشان، عشری بود.^{۳۹} آن‌طور که از اطلاعات

۳۴. نگاه کنید به اطلاعات مندرج در: قاضی ابویوسف، موسوعة الخراج، القسم الاول، الخراج. و بلاذری، فتوح البلدان و کاتب خوارزمی، ص ۶۱؛ ماوردی، ص ۲۴۸ و صص ۳۰۲ - ۳۰۴؛ یاقوت حموی، معجم البلدان، فارسی، ج ۱، ص ۴۷ (آنجایی که از شرایط عشری شدن زمین صحبت می‌کند).

۳۵. رک: بلاذری، فتوح البلدان، ص ۵۱۴ و ۵۹۸؛ و ابن اسفندیار، قسم اول، ص ۲۲۳ - ۲۲۴.

۳۶. رک: بلاذری فتوح البلدان، ص ۴۵۲ و ۴۵۴. البته یاقوت می‌گوید که به دلیل دارالحرب بودن قزوین با دیلمان، هارون الرشید زمین‌های خراجی با دیوانی قزوین را نیز عشری کرده بود. رک: یاقوت حموی، معجم البلدان، تعریب، ج ۴؛ ص ۳۴۲ - ۳۴۳. همچنین رک: ابن فقیه، مختصر البلدان (بخش ایران)، ص ۱۲۲ - ۱۲۴. قابل ذکر است که عشری شدن زمین‌های دیوانی (خراجی) در مناطق دارالحرب کاملاً حالت قانونی بر اساس اجتهاد مجتهدین داشت و این‌طور نبود که حاکمی به دلخواه و صلاحدید خود این تخفیف را قائل بشود یا نشود. رک: قاضی ابویوسف، موسوعة الخراج، القسم الاول، الخراج، ص ۱۳۳ و ۱۳۵.

۳۷. رک: قمی، ص ۱۸۱ و ص ۳۰۱ - ۳۰۲ و ۳۱۰ - ۳۱۲.

۳۸. رک: ابن رسته، ص ۲۰۲.

۳۹. رک: یحیی بن آدم القرشی، موسوعة الخراج، القسم الثاني، الخراج، ص ۲۹؛ حدود العالم، ص ۴۰۷؛ مقدسی، ج ۱، ص ۲۰؛

و مسکویه رازی، تجارب الامم، ج ۶، ص ۱۶۷ - ۱۶۸.

ابن اسفندیار بر می‌آید در تمامی دوران اسلامی و زمان حکومت علویان طبرستان نیز تمامی زمین‌های ملکی گسترده در مازندران و طبرستان نیز عشری بوده و ابن اسفندیار از تمامی آنها با لفظ «ده یک گذار» و برای صاحبان این املاک از لفظ «دهقان» استفاده می‌کند که در منابع دوران میانه، لفظ مخصوص صاحبان زمین و مالکان بوده است.^{۴۰} همچنین یاقوت نیز اطلاعات فراوانی از مالیات عشری زمین‌های ملکی در شام و جزیره می‌دهد^{۴۱} که نشان از عشری بودن مالیات زمین‌های ملکی (خصوصاً املاکی که به آبیاری دولتی احتیاج نداشتند) در تمامی دوران میانه تاریخ ایران دارد. البته باید به این نکته اشاره کرد که در غالب موارد، در صورتی که زمین‌های ملکی از آبیاری دولتی استفاده می‌کردند، با حفظ تمام حقوق مالکیت زمین، مالیات این زمین‌ها نیز به خراجی تبدیل می‌شد که البته ثابت خراج این زمین‌ها غالباً کمتر از زمین‌های دیوانی بود.^{۴۲}

۲-۱-۳- مناسبات تولید در زمین‌های اربابی: در منابع دوران میانه ایران تا قبل از سلاجقه، نشانه‌های چندانی از زمین‌های اربابی بزرگ همانند آنچه در دوران ساسانیان وجود داشت، دیده نمی‌شود. به‌طور کلی می‌توان گفت این مدل از املاک در ایران اسلامی بسیار اندک بود و همان‌طور که پیش‌تر توضیح دادیم ریشه ایجاد بیشتر این املاک بزرگ در دوران اسلامی غالباً به احیای زمین‌های مواتی برمی‌گشت که دولت‌های اسلامی آنها را به شرط آبادانی به قطیعه و یا ایغار به اشراف زمان خود می‌دادند و همین امر به همراه برخی استیلاها، غصب، خرید زمین‌ها و یا مقاطعه داری‌های طولانی مدت را باید دلیل اصلی به‌وجود آمدن معدود زمین‌های اشرافی و زمینداران بزرگ در دولت‌های اسلامی در طول قرون مورد بحث ما دانست. به‌طور کلی این قطایع پس از آبادانی به‌صورت ملک درمی‌آمد و نسبت به نوع قراردادشان با دولت شامل همان عشر و یا در صورت مقاطعه بودن زمین، مالیاتی ثابت و مقرر شده به رسم مقاطعه، بود.^{۴۳} از سوی دیگر صحبت چندانی در منابع درباره رابطه تولیدی و نحوه تقسیم محصول میان کشاورزان و ارباب در این زمین‌ها ارائه نشده و تنها بر اساس لفظ «فلاحین»ی که توسط اکثر منابع برای کشاورزان زمین‌های اربابی به کار رفته، (به جای عناوینی چون «دهقان» و «مزارع» و «اکره» که خود نشان از مناسبات تولیدی

۴۰. رک: ابن اسفندیار، قسم اول، ص ۲۳۴ - ۲۳۵ و ص ۲۷۰.

۴۱. رک: یاقوت حموی، معجم البلدان، فارسی، ج ۱، ص ۴۱۶ - ۴۱۷؛ و ج ۲، ص ۳۰۵.

۴۲. به‌عنوان نمونه رک: قمی، ص ۴۳۱.

۴۳. رک: قاضی ابویوسف، موسوعه الخراج، القسم الاول، الخراج، ص ۵۱ و ص ۵۷ - ۵۸؛ یاقوت حموی، معجم البلدان، فارسی،

ج ۱، ص ۴۷؛ و مسکویه رازی، تجارب الامم، ج ۶ ص ۷۴ و ۸۱

دیگری غیر از بهره ثابت مالکانه دارد) می‌توان اینطور حدس زد که تا زمان سلاجقه، مناسبات تولید در این املاک به صورت بهره ثابت مالکانه‌ای بوده که توسط کشاورزان به اربابان پرداخت می‌شده است و ترتیبی نزدیک به مناسبات تولید زمین‌های دیوانی داشته است.^{۴۴} اما از کم و کیف این مناسبات نمی‌توان اطلاعات دقیقی به دست داد.

۲- ۱- ۴- مناسبات تولید در زمین‌های خالصه: این زمین‌ها ملک شخصی خلفا و حاکمان اسلامی و خانواده ایشان بود و این اراضی را معمولاً پیشکاران سلطان به رعایا اجاره می‌دادند. پیشکار که نماینده سلطان بود اراضی و بذر را بین دهقانان تقسیم می‌کرد و بر فرایند تولید و شرایط اجاره‌داری نظارت داشت. اراضی خالصه از مالیات دولتی معاف بود^{۴۵} و غالباً زمین‌هایی بود که یا توسط خود خلفا و سلاطین و یا خانواده‌ایشان خریداری می‌شد و یا در اکثر مواقع توسط مالکین کوچک و بیشتر برای جلب حمایت در مقابل عمال زورگو و یا غارتگران به خلفا و سلاطین یا اعضای پرنفوذ خانواده‌های ایشان هبه می‌گردید و یا زمین‌هایی بود که با اموال شخصی خود خلفا و یا خانواده ایشان آباد و خالصه گشته بود. مهم‌ترین نکته درباره مناسبات تولید رایج در زمین‌های خالصه، وجود مناسبات تولید «مزارعه» یا «مواکره» در این زمین‌ها می‌باشد. آن‌طور که از اطلاعات منابع بر می‌آید گویی تا پیش از گسترش اقطاعداری نظامی خصوصاً در دوران آل بویه و سلاجقه، مناسبات تولید مزارعه و مواکره تنها در زمین‌های خالصه وجود داشته و در زمین‌های دیگر اعم از دیوانی و ملکی و وقفی و غیره هیچ نشانه‌ای از این مدل تصاحب ارزش افزوده، دیده نمی‌شود. مناسبات تولید «مزارعه» طبق تعریف؛ به معنای وجود روابط قراردادی میان تولیدکنندگان و صاحبان زمین به صورت تقسیم محصول مطابق با مالکیت ابزار تولید پنجگانه «زمین»، «آب»، «بذر»، «خیش (جفت گاو)» و «کار» بود که ارباب در این نوع از نظام بهره برداری، مالک آب و زمین بود و زارع در بهترین حالت صاحب سه عامل تولید دیگر یعنی «خیش، بذر و کار» و ارزش اضافی تولید در این مناسبات با میزان و نوع مالکیت ابزار تولید توسط دو طرف معامله رابطه مستقیم

۴۴. تنها این اثر در یک قسمت از کتابش وقتی از قیام مازیار در طبرستان صحبت می‌کند و می‌گوید او زارعین زمین‌های اربابی طبرستان را به شورش علیه اربابان خود تحریک کرد، برای کشتکاران این ضیاع‌ها از لفظ «اکره» استفاده می‌کند. رک: عزالدین ابوالحسن، علی بن ابی‌الکرم ابن‌الاثیر، الکامل فی‌التاریخ، در ۱۳ جلد، ج ۶ (بیروت: دار صادر، ۱۹۶۵)، ص ۴۹۶. البته چون این مورد در سایر منابع درباره مناسبات تولید در طبرستان کاملاً منحصر به فرد است نمی‌توان استناد چندانی به آن کرد.

۴۵. رک: عباس ولی، «تناقض‌های مفهوم شیوة تولید آسیایی»، ترجمه پرویز صداقت، مجله اطلاعات سیاسی و اقتصادی، ش

داشت و در بهترین و عادلانه‌ترین حالت، سهم هر یک از این وسایل تولید پنجگانه در کسب ارزش اضافی تولیدی برابر بود. بدین طریق «مزارعین»^{۴۶} در بهترین حالت یعنی زمانی که استطاعت تأمین بذر و جفت گاو را برای کشت زمین داشتند حداکثر^{۵۵} محصول و در بدترین حالت (اگر بذر و گاو نیز توسط صاحب زمین تأمین می‌شد) حداقل^{۵۵} محصول را تصاحب می‌کردند.^{۴۷} البته این شرایط تقسیم ارزش اضافی تولیدی نیز تنها زمانی بود که ارزش هر کدام از وسایل تولید پنجگانه در عقد مزارعه به یک میزان احتساب می‌شد که در غالب موارد این گونه نبود.^{۴۸}

مناسبات تولید «مواکره» نیز به مناسباتی گفته می‌شد که کشتکار تنها نیروی کار خویش را به ارباب زمین می‌فروخت و هیچ گونه مالکیتی بر هیچ یک از دیگر وسایل تولید نداشته و متعاقباً هیچ سهمی از محصول نیز نمی‌برد و تنها مزد کار خویش را بر اساس توافق دریافت می‌کرد و بدین طریق کمی یا زیادی محصول تأثیر چندانی در میزان مزد دریافتی او نداشت.^{۴۹} در منابع دوران اسلامی و میانه، برای کشتکارانی که با مناسبات «مواکره» در زمین‌ها به کار گرفته می‌شدند از لفظ

۴۶. لقب کشتکارانی که تحت عقد مزارعه بر روی زمین کار می‌کردند، در منابع.

۴۷. رک: عباس ولی، ایران پیش از سرمایه‌داری، ترجمه حسن شمس‌آوری (تهران: نشر مرکز، ۱۳۸۰)، ص ۶۷ و ص ۲۷۷ - ۲۷۸؛ خسرو خسروی، نظام‌های بهره‌برداری از زمین در ایران (از ساسانیان تا سلجوقیان)، (تهران: انتشارات شبگیر، ۱۳۳۵)، ص ۱۲۶ - ۱۲۷؛ ا. ک. س. لمبتون، مالک و زارع در ایران، ترجمه منوچهر امیری (تهران: علمی و فرهنگی، ۱۳۷۷)، ص ۵۳۷ - ۵۷۴.

۴۸. به‌عنوان مثال سوداگر می‌گوید: «در سیستم مزارعه اختلاف بر سر میزان سهم هر یک از عوامل پنجگانه در مناطق مختلف وجود داشت مثلاً در مناطقی که آب بسیار سخت به‌دست می‌آمد (همانند کرمان و یزد) سهم آب برای صاحب آن میزان بیشتر از $\frac{1}{8}$ را داشت و تا جایی به نصف محصول برای آب نیز می‌رسید؛ اما در مناطقی که آب ارزان‌تر و دسترسی به آن راحت‌تر بود سهم تملک آب از محصول کم‌تر بود و تا همان $\frac{1}{8}$ می‌رسید و در زمین‌هایی دیمی اصلاً این عامل حذف می‌شد. علاوه بر این گاهی قوانین خارج از عرف نیز در تفسیر سهم هر یک از عوامل پنجگانه نقش داشت. به‌عنوان مثال جایی که رعیت از جفت گاو استفاده نمی‌کرد و به قول لمبتون بیل کار بود هر دو سهم کار و گاو را می‌برد. رک: سوداگر، نظام ارباب رعیتی در ایران، پاورقی شماره ۲۷، فصل ۴؛ همچنین رک: لمبتون، مالک و زارع در ایران، ص ۱۴۸ و ص ۱۴۰ - ۱۴۱.

۴۹. خسروی درباره مناسبات مواکره می‌گوید: مواکره مصدر باب مفاعله از ماده «اکر» به معنی حفر و کندن زمین و به قول او نوعی مزارعه می‌باشد که سهم طرفین در آن معلوم است. او معتقد است که مواکره در دوره ساسانی و اوایل دوره اسلامی رایج بود و بیشتر برای زارعی بود که در دوره ساسانی و چه دوره اسلامی در زمین‌های شاهی یا خلافت کار می‌کردند. ابوحنیفه هم این مدل مزارعه (مواکره) را که اکره در آن با گذاشتن یک عامل شرکت‌کننده (کار) از محصول به نسبت $\frac{1}{6}$ یا $\frac{1}{4}$ سود می‌بردند فاسد می‌دانست؛ چرا که این حالت را برای اکره‌ها حالت دریافت مزد تلقی می‌کرد. رک: خسروی، نظام‌های بهره‌برداری از زمین در ایران (از ساسانیان تا سلجوقیان)، ص ۱۱۸. البته به قول قاضی ابویوسف، ابوحنیفه حتی عقد مزارعه بر اساس یک سوم و یک چهارم محصول را نیز به این دلیل که برای مزارع حالت دریافت مزد دارد، فاسد می‌داند که می‌توان نتیجه گرفت که ابوحنیفه کلاً عقد مزارعه را غیرشرعی به حساب آورده است. رک: قاضی ابویوسف، موسوعه الخراج، القسم الاول، الخراج، ص ۹۱.

«اکره» استفاده شده است.^{۵۰}

و در آخر نیز باید اضافه کنیم که با چنین نظام بهره‌برداری و این مناسبات تولید، در هر دو مدل مزارعه و مواکره، مسلماً تنها راه محاسبه سهم طرفین معامله، روش مقاسمه بود. و البته در تمامی منابعی که صحبت از وجود این مناسبات تولید در مناطق مختلف می‌کنند همواره از روش مقاسمه برای تقسیم محصول نام می‌برند.

آن‌طور که از اطلاعات منابع تاریخی می‌توان برداشت کرد این است که مناسبات تولید مزارعه و مواکره تا قبل از دوران سلجوقیان که به مناسبات تولید غالب کشاورزی ایران تبدیل شد، تنها در زمین‌های محدود خالصه مورد استفاده قرار می‌گرفت و تقریباً در هیچ یک از منابع تاریخی ذکر شده این مناسبات در موارد دیگر نشده است. حتی منابع وقتی از وجود این مناسبات در زمان ساسانیان صحبت می‌کنند آن را تنها به زمین‌های خالصه یا شاهی موجود در سواد عراق و آذربایجان محدود نموده‌اند. پس از فتح ایران و در زمان عمر نیز تنها زمین‌های صوافی به مزارعه داده شد که البته در آن مزارعه‌ای خفیف و البته به نفع کشتکاران، لحاظ شده بود.^{۵۱} ابن فقیه نیز وقتی درباره وجود مناسبات تولید مزارعه در آذربایجان در اوایل دوران اسلامی صحبت می‌کند، نشان می‌دهد تنها زمین‌ها و مناطقی وارد این مناسبات گردیدند که خالصه مسلمین و خلفای اموی و خانواده ایشان شده بودند.^{۵۲} از اینجا می‌توان فهمید که آنجایی که بلاذری در کتاب خود صحبت از وجود مناسبات تولید مزارعه در ورثان و مراغه آذربایجان می‌کند، منظورش همین زمین‌های خالصه می‌باشد. خود بلاذری در جای جای کتابش فرضیه ما را تأیید می‌کند و نشان می‌دهد که در دوران خلافت تنها در زمین‌های خالصه بوده که مناسبات تولید مزارعه برقرار بوده است. به‌عنوان نمونه می‌گوید که مردم قصبه مفازه «سیسر» در جبال زمین‌ها و املاک خود را تبدیل به خالصه مأمون عباسی کردند

۵۰. به‌عنوان نمونه رک: قدامة بن جعفر کاتب بغدادی، الخراج و صناعة الکتابه، ص ۱۷۰، (آنجا که از کشتکاران زمین‌های خالصه دولت عباسی در منطقه سواد عراق، یعنی اراضی اطراف نهرهای صنایع «سبیین» صحبت می‌کند)؛ اصطخری، المسالک و الممالک، ص ۹۵؛ ابن حوقل، صورة الأرض، ج ۱، ص ۲۱۴ و ص ۲۱۷ - ۲۱۹، (آنجا که از کشتکاران تمامی مناطق اطراف موصل در زمانی که این مناطق اقطاع بنی حمدانیان بود صحبت می‌کند)؛ و مسکویه الرازی، ابوعلی تجارب الامم، در هفت جلد، ج ۶، تحقیق ابوالقاسم امامی، (تهران: نشر سروش، ۱۳۷۹) تعریب، ص ۳۴۲، آنجا که از کشتکاران زمین‌های خالصه عضدالدوله دیلمی در منطقه کرمان یاد می‌کند.

۵۱. چرا که به قول یحیی بن آدم، رعیت در این عقد مزارعه، نصف، ثلث و در پاره‌ای از موارد عشر محصول را به دیوان می‌پرداختند و سهم رعیت غیرمسلمان نیز در اراضی دیوانی از یک سوم تا یک پنجم محصول بود، رک: یحیی بن آدم القرشی، موسوعة الخراج، القسم الثاني، الخراج، ص ۶۳.

۵۲. ابن فقیه، مختصر البلدان (بخش ایران)، ص ۱۲۶ - ۱۲۷.

و قبول کردند که مزارعین او باشند به شرط تأمین امنیتشان.^{۵۳} همان طور که مشاهده می‌شود اینجا نیز بحث مناسبات تولید مزارعه در میان است؛ چرا که بلاذری برای کشاورزان این منطقه از لفظ «مزارع» استفاده می‌کند. در جای دیگری نیز می‌گوید: «قاسم پسر رشید به ولایت جرجان و طبرستان و قزوین رسید. اهل زنجان املاک خود را در حمایت او قرار دادند تا بدینسان پناهی یابند و بتوانند تبهکاری‌های راهزنان و ستم عاملان را از سر خود دفع کنند و بیع نامه‌ها به نام وی نوشتند و خود مزارعان او شدند. زنجان امروزه جزء املاک (خالصه) است»^{۵۴} او همچنین درباره زمین‌های خالصة شده شعیبیه عراق می‌گوید: «برخی از آگاهان به امور املاک بصره گویند که اهل شعیبیه فرات در عهد خلافت رشید آن آبادی را به علی بن رشید واگذار کردند بر این قرار که خود مزارع وی شوند و در مقابل از لحاظ مقاسمه محصول تخفیفی بر ایشان قائل شود.»^{۵۵} نمونه دیگر برای نشان دادن مناسبات تولید مزارعه در املاک خالصة مهدی عباسی در اطراف نهر صناعی «الصله» در سواد عراق بود که به دستور و مال او حفر شده و زمین‌های اطراف آن را احیا کرده بود. پس به خالصة او تبدیل شد و بلاذری و قدامه در کتب خود برای کشتکاران این املاک، از لفظ مزارعین استفاده می‌کنند که نشان از وجود مناسبات تولید مزارعه در این املاک خالصة دارد،^{۵۶} و یا می‌توان به حکایت تعمیر سدهای بطایح در زمان حجاج و خالصة شدن زمین‌ها و برقرارشدن مناسبات تولید مزارعه با کشتکاران این ناحیه استناد کرد.^{۵۷} ابن فقیه نیز از زمین‌های منطقه قازقان در جبال می‌گوید که همه ملکی و به علت مسلمان شدن اهالی آن، همه «ده یک گذار - عشری» بودند اما به دلیل جلب حمایت قاسم بن رشید زمین‌های خود را خالصة او کرده و مزارعین او شدند.^{۵۸} قدامه در کتاب خود تنها یک بار دیگر از لفظ مزارعین و اکره برای کشتکاران استفاده می‌کند و آن هم زمانی است که باز از کشتکاران دیگر زمین‌های خالصة دولت عباسی در منطقه سواد عراق، یعنی اراضی اطراف نهرهای صناعی «سیبین» صحبت کرده و ایشان را «مزارعین» و «اکره» معرفی می‌کند و بدین طریق سندی دیگر در تأیید وجود مناسبات تولید مزارعه و مواکره تنها در املاک خالصة در این دوران، به دست ما می‌دهد.^{۵۹}

۵۳. ابوالحسن احمد بن یحیی بلاذری، فتوح البلدان (بیروت: دار و مکتبة الهلال، ۱۹۸۸)، ص ۳۰۴.

۵۴. بلاذری، فتوح البلدان، تعریب، ص ۳۱۵. همچنین رک: ابن فقیه، مختصرالبلدان (بخش ایران)، ص ۱۲۳ - ۱۲۴.

۵۵. بلاذری، فتوح البلدان، تعریب، ص ۳۶۰.

۵۶. همان منبع، ص ۲۸۷. و قدامه بن جعفر، الخراج و صناعة الکتابه، ص ۱۷۰.

۵۷. همان منبع، ص ۲۸۸.

۵۸. رک: ابن فقیه، مختصرالبلدان (بخش ایران)، ص ۱۲۳ - ۱۲۴.

۵۹. قدامه بن جعفر، الخراج و صناعة الکتابه، ص ۱۷۰.

در دوران حکومت‌های ایرانی - اسلامی نیز تا قبل از تسلط سلاجقه، همین روند ادامه یافت در منابع هیچ جا از مناسبات تولید مزارعه و مواکره سخنی گفته نمی‌شود به جز در زمین‌های خالصه. اصطخری در قرن سوم زمین‌های سلطانی (خالصه) را از خراج دیوانی معاف دانسته و مناسبات تولید رایج در این زمین‌ها را مابین کشتکاران و سلطان، مواکره می‌داند؛ چرا که از کشتکاران این زمین‌ها با لفظ «الاکره» یاد می‌کند که سلطان محصول را از ایشان به مقاسمه دریافت می‌کرد.^{۶۰} حمدانیان موصل و جزیره نیز که به قول ابن حوقل و مسکویه ید طولایی در غصب املاک و تبدیل آن به زمین‌های خالصه داشتند، در این مناطق خالصه‌شده با کشتکاران وارد مناسبات تولید مزارعه یا مواکره می‌شدند.^{۶۱} اطلاعات ابن حوقل درباره کشتزارهای کل منطقه موصل و رستاق‌هایش همانند «معالثیا» و «فیشابور» و «باعربیا» و «خابور» و «نینوی» و «مرج» و «باعینا» که غالباً یا خالصه بنی حمدان شده بوده و یا در اقطاع نظامیان ایشان بود، نشان از وجود مناسبات تولید مزارعه و مواکره در تمامی کشتزارهای گندم و جو این مناطق دارد؛ چرا که ابن حوقل نیز در زمان صحبت از کشتکاران این زمین‌ها از آنها با الفاظ «اکره» و «مزارعین» یاد می‌کند.^{۶۲} همچنین مسکویه وقتی از جریان سرکوب ایلات قفص و بلوچ در کوهستان‌های کرمان توسط عضدالدوله دیلمی صحبت می‌کند، می‌گوید: فنا خسرو پس از نابودی ایشان مناطق ایشان را تبدیل به زمین‌های خالصه کرده و در این زمین‌ها مزارعین و اکره به کار کشت گماشت. همین امر نشان می‌دهد که در زمان آل بویه نیز مناسبات تولید رایج در زمین‌های خالصه «مزارعه» و یا «مواکره» بوده است.^{۶۳}

در پایان این بخش نوبت آن است که با توجه به اطلاعات ارائه‌شده شمای کلی مناسبات تولید رایج و غالب تولید کشاورزی ایران را در طی قرون مورد بحث (از زمان سقوط ساسانیان تا روی کار آمدن حکومت سلجوقیان) ترسیم کنیم. بر اساس اطلاعاتی که ارائه دادیم مشخص شد که بیشتر زمین‌های قابل کشت در مناطق مختلف ایران یعنی بخش عمده کشتزارها، توسط شبکه‌های آبیاری دولتی، آبیاری می‌شد و فرایند تولید و بازتولید کشاورزی در اکثر کشتزارهای فلات ایران وابسته به عملیات گسترده دولتی در حوزه آبرسانی به کشتزارها بود و همان‌طور که نشان دادیم تقریباً تمامی این زمین‌هایی که توسط فعالیت دولتی آبرسانی می‌شد تبدیل به زمین‌های دیوانی می‌گردید که مناسبات تولید در آنها پرداخت سهم دولت از ارزش اضافی تولیدی به صورت بهره ثابت

۶۰ اصطخری، المسالک و الممالک، ص ۹۵.

۶۱ مسکویه رازی، تجارب الامم، ج ۶ ص ۴۵۴.

۶۲ ابن حوقل، صورة الأرض، ج ۱، ص ۲۱۴ و ص ۲۱۷ - ۲۱۹.

۶۳ ابوعلی مسکویه الرازی، تجارب الامم، تعریب، ج ۶ ص ۳۴۲.

مالکانه بود که در اینجا «خراج» نام می‌گرفت. حال اگر زمین‌های غصب‌شده توسط دولت را که بر اثر فتوحات و ضبط اموال به املاک دیوانی تبدیل می‌شدند و همچنین زمین‌های ملکی‌ای که یا به دلیل غیرمسلمان بودن صاحبانشان و یا بدلیل استفاده از آبیاری دولتی جزء زمین‌های خراجی به حساب می‌آمدند و همین‌طور زمین‌های اربابی و وقفی‌ای را که در این زمین‌ها نیز مناسبات تولید بر اساس بهره‌ ثابت مالکانه تنظیم می‌شد (که البته این بار نیروهای تولیدی در این زمین‌ها به جای دولت با اربابان یا متولیان وقف روبرو بودند)، به گستره مناطق با مناسبات تولید بر اساس بهره‌ ثابت مالکانه اضافه کنیم متوجه می‌شویم که مناسبات تولید بر اساس بهره‌ ثابت مالکانه، مناسبات تولید رایج کشاورزی در اکثر مناطق مختلف ایران در این قرون بوده است. از سوی دیگر، کشتکاران بخش اعظم باقی‌مانده از کشتزارها نیز که اختصاص به زمین‌های ملکی داشتند با تخصیص عشر ارزش اضافی تولیدی خود به دولت حاکم، مابقی محصول تولیدی خویش را تصاحب می‌کردند و مناسبات تولید ظالمانه‌ای چون مزارعه و مواکره تنها محدود به زمین‌های خالصه می‌شد که در مقابل گستره عظیم مناطقی که با مناسبات تولید بهره‌ ثابت مالکانه و یا عشری به تولید و بازتولید کشاورزی مشغول بودند، بسیار ناچیز بود.

توجه به اصطلاحات واژگانی^{۶۴} مورد استفاده در منابع قدمایی در توصیف تولید کشاورزی این قرون نیز ما را به صحت فرضیه خویش در این زمینه امیدوارتر می‌کند. با دقت در نحوه به کارگیری این اصطلاحات در شرح مناسبات تولید کشاورزی خصوصاً در منابع به زبان عربی، می‌توان دید که منابع از چهار لفظ «فلاح»، «دهقان»، «مزارع» و «اکره» برای کشتکاران و نیروهای تولیدی در کشاورزی استفاده می‌کنند که مسلماً به کارگیری این الفاظ مختلف بی‌دلیل نبوده است. به زعم نگارنده و به شواهد منابع، لفظ «فلاح» برای کشتکاران زمین‌های دیوانی و اربابی و وقفی به کار برده می‌شد که در این زمین‌ها مناسبات تولید بر اساس بهره‌ ثابت مالکانه تنظیم شده بود که البته در زمین‌های دیوانی این بهره‌ ثابت با خراج یکی می‌گردید. اما برای صاحبان زمین و نیروهای تولیدی که دارای زمین‌های ملکی بودند غالباً لفظ «دهقان» به کار برده می‌شد و برای زمین‌هایی که کشتکاران در آن با ارباب زمین وارد مناسبات مزارعه شده بودند از لفظ «مزارع» استفاده شده و برای کشتکارانی که با مناسبات مواکره بر روی کشتزارها کار می‌کردند از لفظ «اکره» استفاده شده است. بنابراین از الفاظ به کاررفته در توصیف کشتکاران مناطق مختلف در منابع، می‌توان تا حدودی مناسبات تولید رایج در اقتصاد کشاورزی آن منطقه در دوران مورد نظر را حدس زد.

به‌عنوان مثال بلاذری و قاضی ابویوسف از کشتکاران ناحیه سواد عراق با لفظ «فلاحین» یاد می‌کنند که نشان‌دهنده خراجی‌بودن اکثر زمین‌های این منطقه می‌باشد و صحبت سایر منابع مبنی بر دیوانی‌بودن اکثر زمین‌های سواد را تأیید می‌کند.^{۶۵} یعقوبی نیز در قرن سوم، روستاییان منطقه و نواحی اصفهان را با لفظ «دهقان» یاد می‌کند که نشان از وجود گسترده زمین‌های ملکی با مناسبات بهره‌ ثابت مالکانه (برای زمین‌های بزرگ اربابی) و عشری (برای زمین‌های کوچک ملکی) در این منطقه در قرن سوم دارد و اطلاعات کسانی چون ابن‌رسته را که به وجود زمین‌های ملکی فراوان در این منطقه اشاره دارد تأیید کرده و با آن همخوانی پیدا می‌کند. ابن‌حوقل نیز در قرن چهارم برای کشتکاران آذربایجان از لفظ «فلاحون» و برای کلیه کشاورزان ناحیه جوزجانان خراسان از لفظ «دهقان» استفاده کرده و تأکید می‌کند که در زمان تسلط سامانیان بر خراسان، تمامی زمین‌های این منطقه ملکی بوده و دهاقین آن، ده - یک گذار.^{۶۶} این‌ها نمونه‌هایی می‌تواند باشد که فرض ما را در تطبیق واژگان مورد استفاده منابع برای نیروهای تولیدی هر منطقه با مناسبات تولید رایج در آن منطقه، تأیید نماید.

با توجه به این مطلب مشاهده می‌کنیم که به‌عنوان مثال در تمام کتاب طبری هیچ‌جا از لفظ «مزارع» و یا «اکره» برای کشتکاران مناطق مختلف استفاده نشده است و در سراسر کتاب نیروهای تولیدی کشاورزی با الفاظی چون «فلاحون» و «دهاقین» یاد شده‌اند که نشان از برتری عمده بهره‌ ثابت مالکانه بر سایر اشکال نظام‌های بهره‌ برداری از زمین در زمان‌های مورد بحث طبری دارد.^{۶۷} همین امر در آثار بیهقی و عتبی و تاریخ قم نیز دیده می‌شود که ایشان نیز تنها از الفاظ «برزیگران» و «دهاقین» برای کشتکاران استفاده می‌کنند.^{۶۸} مسکویه نیز در تاریخش تا زمان فترت خلافت و شروع واگذاری اقطاع در دولت عباسی، وقتی از کشاورزان مناطق مختلف صحبت می‌کند همواره از لفظ «دهاقین» و «فلاحون» استفاده می‌کند که نشان از این دارد که در اکثر مناطق، زمین‌ها ملکی و خراجی بوده‌اند و مناسبات تولید در آنها بهره‌ ثابت مالکانه به‌صورت خراج یا عشر بوده است و تا زمانی که از کشتکاران مناطق اطراف موصل در جزیره در زمان تسلط

۶۵ بلاذری، فتوح البلدان، ص ۴۶۲؛ قاضی ابویوسف، موسوعه الخراج، القسم الاول، الخراج، ص ۳۶.

۶۶ ابن‌حوقل، صورة الأرض، ج ۲، ص ۳۳۶ - ۳۳۷ و ص ۴۴۳ - ۴۴۴.

۶۷ رک: ابوجعفر محمد بن جریر الطبری، تاریخ الأمم و الملوک، تحقیق محمد أبو الفضل ابراهیم (بیروت، دارالتراث ۱۹۶۷).

۶۸ رک: ابوالفضل محمد بن حسین بیهقی، تاریخ بیهقی، در ۳ جلد، مصحح: خلیل خطیب رهبر (تهران: انتشارات مهتاب،

۱۳۷۴)؛ قمی، تاریخ قم ابی نصر محمد بن عبد الجبار عتبی، الیمینی، مصحح: احسان ذنون الثامری (بیروت، دار الطلیعة، ۲۰۰۴).

حمدانیان^{۶۹}، صحبت می‌کند هیچ اثری از استفاده از لفظ «مزارع» و «اکره» برای کشتکاران وجود ندارد و تنها در زمان استیلای ترکان نظامی بر خلافت عباسی و ایجاد اقطاع نظامی در عراق است که اندک اندک استفاده از لفظ «مزارع» و «اکره» برای کشتکاران این زمین‌های اقطاعی، در کتاب مسکویه ظاهر می‌شود.^{۷۰}

با توجه به این مطلب و با توجه به تفحصی که نگارنده در تمامی متون مورد استفاده در این پژوهش انجام داده، لفظ مزارع و اکره جز در مواردی خاص آن هم برای مناطق خالصه، استفاده نشده است و تا زمان پیدایش اقطاع‌داری نظامی در منطقه سواد عراق و گسترش آن توسط آل بویه به خوزستان و برخی مناطق فارس، استفاده از این لغات برای کشتکاران در منابع تاریخی دیده نمی‌شود که باز هم فرضیه ما در غالب بودن مناسبات تولید بر اساس «بهره ثابت مالکانه» بر اقتصاد کشاورزی ایران از زمان ورود اسلام تا روی کار آمدن سلجوقیان، تأیید می‌گردد.

اما از وجوه بارز و حیاتی مناسبات تولید با بهره ثابت مالکانه برای نیروهای تولیدی این بود که قابلیت پیشرفت و تکامل نیروهای کار و تضمین فرایند بازتولید را در ساختار درونی خویش، دارا بود. چرا که نیروهای تولیدی با پرداخت سهم ثابتی از محصول (که هیچ‌گاه این میزان در سنگین‌ترین حالت نیز از نیمی از ارزش اضافی تولید شده بیشتر نمی‌شد)^{۷۱} مابقی ارزش اضافی تولیدی را خود تصاحب کرده و در هر مرحله قدرت بیشتری برای بازتولید و گسترش سطح کار خویش به دست می‌آوردند. از سوی دیگر با اضافه شدن تولید، سهم سود بیشتری به نیروهای تولید در مقابل دولت تعلق می‌گرفت و همین امر مهم‌ترین مشوق در تکامل نیروهای تولیدی و افزایش سطح تولید می‌گردید. خاصیت برد - بردی که در ساختار و ذات این مدل از مناسبات تولیدی وجود داشت باعث می‌شد دولت‌های مسلط نیز برای ایجاد نظام‌های آبیاری گسترده در جهت افزایش سطح زیر کشت زمین‌ها و متعاقباً افزایش تولید و درآمد خود، سرمایه‌گذاری‌های کلان انجام دهند و همین امر نیز در مساعدتر کردن امکان بازتولید برای نیروهای تولیدی نقشی بسزا داشت. حتی در عملکرد برخی

۶۹. همان‌طور که در سطور پیش توضیح دادیم، خالصه شدن اکثر زمین‌های این منطقه در زمان حمدانیان بود که منجر به ایجاد مناسبات مزارعه در این زمین‌ها گردید.

۷۰. رک: مسکویه الرازی، تجارب الامم، تعریب.

۷۱. با تفحصی که نگارنده در اکثر منابع خراجی و تاریخی انجام داد در هیچ موردی، چه زمانی که ثابت خراج به دلیل دیوانی بودن و همچنین استفاده پر حجم از آبیاری دولتی، در بالاترین حالت خود قرار می‌گرفت و چه زم‌انهایی که منابع صحبت از خراج بالا و ظالمانه نیز می‌کردند (همانند مالیات کوره اصطخر و منطقه شیراز در قرن چهارم به قول اصطخری و ابن حوقل) هیچ‌گاه این بهره‌های ثابت مالکانه و خراج‌ها از نیمی از محصول و ارزش اضافی تولید شده، بیشتر نمی‌شد و غالباً بین یک پنجم تا یک سوم ارزش اضافی تولید شده، خصوصاً در زمین‌های دیوانی، محدود بود.

حکومت‌هایی که به عدالت و رعیت پروری در منابع تاریخی شهره گشته‌اند (همانند سامانیان) نمونه‌های زیادی از لحاظ‌نکردن آب بهای مصرفی کشتکاران از شبکه‌های آبیاری دولتی در تعیین ثابت خراج نیز دیده می‌شود که مسلماً در جهت یاری‌رسانی و تشویق نیروهای تولیدی برای بالابردن سطح زمین‌های زیر کشت انجام می‌شده است. اصطخری زمانی که از شبکه آبیاری وسیع دولتی‌ساز از آب رودخانه بزرگ سغد در کوره بخارا و سمرقند در زمان سامانیان صحبت می‌کند، به نکته مهمی اشاره می‌کند و آن اینکه مردم، خراجی بابت استفاده از این آب نمی‌دادند و تنها وظیفه‌شان کمک به حفظ و نگهداری این نهرها و بندهای آن بود که غالباً با حشر انجام می‌شد.^{۷۲} ابن‌اسفندیار نیز می‌گوید در طبرستان هیچ آب بهایی وجود نداشته و تمام آب در این ولایت مباح بوده و اضافه می‌کند که ملوک و امرا و اسپهبدان مازندران بزرگوارتر از این بودند که از مردم آب بها بگیرند.^{۷۳}

این تکامل نیروهای تولید کشاورزی در تاریخ میانه ایران با ایجاد حکومت‌های ایرانی - اسلامی در زمان عباسیان شدت بیشتری نیز گرفت. چرا که بخش مهمی از مازاد تولید ایران که تا قبل از استیلای این حکومت‌ها به دست خلافت رسیده و صرف هزینه‌های خلافت در سایر نقاط دنیای اسلام می‌شد نیز دیگر از ایران خارج نشده و غالباً در اقتصاد داخل ایران هزینه می‌شد.

۳- نتیجه‌گیری

در این مقاله و در پاسخ به مسئله اصلی این پژوهش نشان دادیم که زمین‌های دیوانی و املاک، بیشترین گستره زمین‌های کشاورزی فلات ایران را در دوران اسلامی تا تثبیت دولت سلجوقیان تشکیل می‌دادند، و به دلیل استقرار مناسبات تولید بر اساس «بهره ثابت مالکانه» در غالب این مدل‌ها از مناسبات ارضی، مناسبات تولید غالب کشاورزی در فلات ایران در این دوران را باید مناسبات تولید بر اساس بهره ثابت مالکانه دانست. وجود گسترده مناسبات تولید از نوع بهره ثابت مالکانه و عشری در این دوران و امکان ذاتی پیشرفت نیروهای تولیدی در ساختار این مناسبات تولیدی باعث شده بود که وضعیت رفاه عمومی نیروهای مستقیم کار، منزلت اجتماعی و درآمدهای ایشان در مناسبات تولید بر اساس این مناسبات تولید بسیار بیشتر و بهتر از مزارعینی باشد که در مناطق محدود خالصه تحت مناسبات مزارعه به کار مشغول بودند.

۷۲. اصطخری، المسالك و الممالک، ص ۱۸۹ - ۱۹۰.

۷۳. ابن‌اسفندیار، قسم اول، ص ۸۱

در مناسبات تولید با بهره‌ ثابت مالکانه کشتکار مجبور نبود در افزایش بازده با ارباب یا دولت شریک شود و این انگیزه‌ای در او ایجاد می‌کرد که بازده قطعه زمین اجاره‌داری را بدون ترس از تصاحب ارباب یا مباشرانش در هنگام برداشت محصول، افزایش دهد. از سوی دیگر حتی عملیات‌های گسترده آبرسانی توسط دولت‌های پیش از سلاجقه و تأمین این منبع حیاتی برای کشتکاران در اکثر نقاط فلات ایران نیز در مناسبات تولید بهره‌ ثابت مالکانه که در اکثر زمین‌های دیوانی به اجرا درمی‌آمد، این نتیجه را به‌بار می‌آورد که علاوه بر دولت که از گسترش سطح زیر کشت و تولید سود می‌برد، کشتکاران نیز از این عملیات دولت سود مستقیم ببرند. چرا که حتی آب بها نیز با ضریبی مشخص به خراج ثابت اضافه می‌شد و اگر کشتکاران، سطح زیر کشت و یا میزان تولید را گسترش می‌دادند، ارزش اضافه تولیدشده از افزایش تولید، به‌طور کامل به خودشان تعلق می‌گرفت و همین امر باعث رشد نیروهای مولد می‌شد. این عامل مهم به همراه باقی‌ماندن سهم دولت‌ها از ارزش اضافی تولیدشده — با شکل‌گیری حکومت‌های ایرانی — در داخل کشور، به‌طور کلی باعث شکوفایی اقتصاد کشاورزی به‌عنوان ساختار اقتصادی غالب در شیوه تولید زمینداری و متعاقباً شکوفایی اقتصادهای پیشه‌وری شهری و تجاری به‌عنوان خرده‌نظام‌های اقتصادی تابعه اقتصاد کشاورزی در این دوران شده و باعث شکل‌گیری دورانی شد که به دوران طلایی تمدن ایران اسلامی معروف گشته است؛ یعنی پیشرفت و تعالی در سایر وجوه تمدنی و ساختارهای روبنایی کشور. پیشرفت و تعالی‌ای که با قدرت‌گیری دولت سلجوقی در فلات ایران و گسترش نظام اقطاع‌داری و تبدیل مناسبات تولید مزارعه به‌عنوان مناسبات غالب تولید کشاورزی، متوقف شد و از بین رفت. این موضوع، بحثی است که در مقاله و پژوهشی دیگر با تفصیل بیشتری بدان خواهیم پرداخت و نتایج مخرب این تغییر گسترده در مناسبات تولید غالب کشاورزی از بهره‌ ثابت مالکانه در چهار قرن اولیه اسلام به مزارعه در قرون بعدی را نشان خواهیم داد و تلاش خواهیم کرد و نشان دهیم که چگونه بر اثر این تغییر به تدریج شاهد نزول شاخص‌های اقتصادی در تولید کشاورزی ایران و نابودی و فلاکت هر چه بیشتر نیروهای تولیدی بودیم که با ادامه این روند در طول تاریخ، اقتصاد کشاورزی ایران سیری قهقراپی را طی نمود و متعاقباً دورانی که به عصر طلایی فرهنگ و تمدن ایرانی - اسلامی معروف شده است، نیز به پایان رسید.

کتابنامه

۱- منابع فارسی

الف) کتاب و مقاله

ابن‌اسفندیار، محمد بن حسن. تاریخ طبرستان. محقق / مصحح: عباس اقبال آشتیانی. چ دوم. تهران: پدیده

خاور، ۱۳۶۶.

ابن بلخی، فارسنامه. محقق / مصحح: منصور رستگار فسایی. چ دوم. شیراز: بنیاد فارس‌شناسی، ۱۳۷۴.
ابن حوقل. سفرنامه ابن حوقل (ایران در صورة الأرض). ترجمه جعفر شعار. ویراست دوم. تهران: امیرکبیر، ۱۳۶۶.
ابن خردادبه، عبدالله بن عبدالله. المسالك و الممالک. ترجمه سعید خاکرند. چ اول. بیروت: دار صادر، افسست لیدن، ۱۸۸۹.

ابن رسته. الاعلاق النفیسه. ترجمه: حسین قره‌چانلو. چ اول. تهران: انتشارات امیرکبیر، ۱۳۸۰.
ابن فقیه، مختصر البلدان (بخش ایران)، ترجمه ح. مسعود. چ اول. تهران: بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۴۹.
بلاذری، ابوالحسن أحمد بن یحیی. فتوح البلدان. ترجمه محمد توکل. چ اول. تهران: نشر نقره، ۱۳۳۷.
بیهقی، ابو الفضل محمد بن حسین. تاریخ بیهقی. مصحح: خلیل خطیب رهبر. چ چهارم، تهران: انتشارات مهتاب، ۱۳۷۴.

حافظ ابرو، عبدالله بن لطف‌الله. جغرافیای حافظ ابرو. محقق / مصحح: صادق سجادی. چ اول، تهران: میراث مکتوب، ۱۳۷۵.

میراحمدی، مریم و غلامرضا وهرام (مصحح). حدود العالم من المشرق الى المغرب. ترجمه: میرحسین شاه، چ دوم. تهران: ناشر: دانشگاه الزهراء، ۱۳۸۳.

حموی، یاقوت بن عبدالله، معجم البلدان. ترجمه علی‌نقی منزوی. چ اول. تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور (پژوهشگاه)، ۱۳۸۰.

خوانمیر، غیاث‌الدین بن همام‌الدین. تاریخ حبیب‌السیر. چ چهارم. تهران: نشر خیام، ۱۳۸۰.

طبری، محمد بن جریر. تاریخ طبری. ترجمه: ابو القاسم پاینده. چ پنجم. تهران: اساطیر، ۱۳۷۵.
قمی، حسن بن محمد بن حسن. تاریخ قم، دو جلد در یک مجلد. ترجمه: حسن بن علی بن عبد الملک قمی، محقق / مصحح: محمدرضا انصاری قمی. چ اول، قم: کتابخانه بزرگ آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی، ۱۳۸۵.

کاتب خوارزمی، ابو عبدالله محمد بن احمد بن یوسف. مفاتیح‌العلوم. ترجمه حسین خدیوچم. ویراست دوم. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۶۲.

مستوفی قزوینی، حمدالله. نزهت‌القلوب. محقق / مصحح: محمد دبیر سیاقی. چ اول. قزوین: نشر حدیث امروز، ۱۳۸۱.

مسعودی، ابوالحسن علی بن حسین. التنبيه و الاشراف. مترجم ابوالقاسم پاینده. چ دوم. تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۸۱.

مسعودی، ابوالحسن علی بن حسین. مروج الذهب و معدن الجواهر. ترجمه ابولقاسم پاینده. چ پنجم، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۴.

مسکویه رازی، ابوعلی. تجارب‌الامم. ترجمه علی‌نقی منزوی. چ اول. تهران: نشر توس، ۱۳۷۶.
مقدسی شامی، شمس‌الدین ابو عبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر بناء. أحسن التقاسیم فی المعرفة الاقالیم. ترجمه علی‌نقی منزوی. چ اول. تهران: نشر شرکت مؤلفان و مترجمان، ۱۳۶۱.

- نرشخی، ابی بکر محمد بن جعفر. *تاریخ بخارا*. تصحیح: مدرس رضوی. چ دوم تهران: انتشارات توس، ۱۳۶۳.
- باتومور، و. ت. ب؛ و روبل، ماکزیمیلین. *گزیده نوشته‌های کارل مارکس در جامعه‌شناسی و فلسفه‌ی اجتماعی*. ترجمه پرویز بابایی. چ اول. تهران: انتشارات نگاه، ۱۳۸۹.
- خسروی، خسرو. *جامعه دهقانی در ایران*. چ اول. تهران: انتشارات پیام، ۱۳۵۷.
- خسروی، خسرو. *نظام‌های بهره‌برداری از زمین در ایران (از ساسانیان تا سلجوقیان)*. ویراست دوم. تهران: انتشارات شبگیر، ۱۳۳۵.
- سوداگر، محمد، *نظام ارباب رعیتی در ایران*. چ اول. تهران: چاپخانه گلشن، ۱۳۳۶.
- کاتوزیان، محمدعلی. *ایران، جامعه کوتاه مدت و ۳ مقاله دیگر*. ترجمه عبدالله کوثری. چ اول. تهران: نشر نی، ۱۳۹۰.
- کوهن، جرال آلن. *نظریه تاریخ مارکس*. ترجمه محمود راسخ افشار. چ اول. تهران: نشر اختران، ۱۳۸۷.
- لمبتون، ا. ک. س. *مالک و زارع در ایران*. ترجمه منوچهر امیری. چ اول. تهران: علمی و فرهنگی، ۱۳۷۷.
- مارکس، کارل. *گروندریسه (مبانی نقد اقتصاد سیاسی)*. ترجمه باقر پرهام و احمد تدین. چ سوم. تهران: نشر آگاه، ۱۳۷۸.
- نعمانی، فرهاد. *تکامل فئودالیسم در ایران*. چ اول. تهران: انتشارات خوارزمی، ۱۳۸۵.
- ولی، عباس. *ایران پیش از سرمایه‌داری*. ترجمه حسن شمس‌آوری. چ اول. تهران: نشر مرکز، ۱۳۸۰.
- ویتفولگ، کارل آگوست. *استبداد شرقی*. ترجمه محسن ثلاثی، چ سوم. تهران: نشر ثالث، ۱۳۹۱.
- یعقوبی، احمد بن اسحاق. *البلدان*. ترجمه محمدابراهیم آیتی. چ سوم. تهران: نگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۵۶.
- امین، بهروز. *درباره فئودالیسم ایران تا قبل از مشروطه*، نقدی بر کتاب: *تحولات فکر و اجتماعی در جامعه فئودال ایران*. چ اول. تهران: انتشارات پیام، ۱۳۵۷.
- سراج، محسن و شهرام یوسفی فر. «نقش حکومت‌ها در ایجاد شبکه‌های آبرسانی کشاورزی در گستره شرقی خلافت تا حمله مغول». *دوفصلنامه تاریخ ایران*، ش ۲۲، تابستان و پاییز ۱۳۹۶، ص ۷۹ - ۱۱۰.
- ولی، عباس، «تناقض‌های شیوه تولید آسیایی». ترجمه پرویز صداقت. *مجله اطلاعات سیاسی و اقتصادی*، ش ۱۱۱ - ۱۱۲. ص ۱۸۰ - ۱۹۷.

۲- منابع عربی

- ابن الاثیر، عزالدین ابوالحسن، علی بن ابی‌الکرم. *الکامل فی التاریخ*. چ اول. بیروت: دار صادر، در ۱۳ جلد، ۱۹۶۵.
- ابن حوقل، صورة الأرض. چ دوم. بیروت: دار صادر، ۱۹۳۸.
- اصطخری، ابراهیم بن محمد. *المسالك و الممالک*. چ اول، قاهره: الهيئة العامة لقصور الثقافة، ۲۰۰۴.
- الطبری، ابوجعفر محمد بن جریر. *تاریخ الأمم و الملوک*. تحقیق محمد أبو الفضل ابراهیم، چ دوم. بیروت: دار التراث، ۱۹۶۷.
- بلاذری، ابوالحسن احمد بن یحیی. *فتوح البلدان*. چ اول. بیروت: دار و مکتبه الهلال، ۱۹۸۸.

- حموی، یاقوت بن عبدالله. معجم البلدان. چ دوم. بیروت: ناشر: دار صادر، ۱۹۹۵.
- عتبی، ابی نصر محمد بن عبد الجبار، مصحح: احسان ذنون الثامری. چ اول. بیروت: دار الطلیعة، ۲۰۰۴.
- قاضی أبویوسف، یحیی بن آدم القرشی. ابن رجب الحنبلی. موسوعه الخراج. چ اول. بیروت: دار المعرفة، ۱۹۷۹.
- کاتب بغدادی، قدامه بن جعفر. الخراج و صناعة الكتابه. محقق / مصحح: محمدحسین، زبیدی. چ اول. بغداد: دار الرشید للنشر، ۱۹۸۱.
- ماوردی البصری، أبو الحسن علی بن محمد بن حبیب. آیین حکمرانی (احکام السلطانیه). ترجمه و تصحیح: حسین صابری، چ اول. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۸۳.
- مسکویه الرازی، ابوعلی. تجارب الامم. تحقیق ابوالقاسم امامی. چ دوم، تهران: نشر سروش، ۱۳۷۹.

